

ط



مشاوران آموزش

ناشر تخصصی علوم انسانی
ناشر تخصصی دروس عمومی



مشاوران آموزش

ناشر تخصصی علوم انسانی
ناشر تخصصی دروس عمومی

این اثر مشمول قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است، هر کس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مؤلف (ناشر) نشر یا پخش یا عرضه کند مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

دفتر انتشارات

تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین،
کوچه مهر، پلاک ۱۸

تلفن: ۶۶۹۵۳۳۰۵

دفتر فروش

تلفن: ۶۶۹۷۵۷۲۷

حیدریکی، بهروز، ۱۳۷۰ -

عربی عمومی تست‌های سطح بالا.

تهران، مشاوران آموزش، ۱۳۹۹.

۴۰۰ ص. ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س. ۳۰

۲-۲۹۸-۲۱۸-۶۰۰-۹۷۸

فیپای مختصر

مجموعه کتاب‌های تیزشیم

۶۰۸۰۷۱۱

سرشناسه

عنوان

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست نویسی

فروست

شماره کتابشناسی ملی

عنوان تیزشیم عربی عمومی (تست‌های سطح بالا)

ناشر مشاوران آموزش

لیتوگرافی، چاپ و صحافی هستی

شمارگان ۲۵۰۰ نسخه

قطع رحلی

نوبت چاپ دوم - ۱۳۹۹

قیمت ۷۵۰۰۰ تومان

شابک ۲-۲۹۸-۲۱۸-۶۰۰-۹۷۸

آشنایی با گروه تولید کتاب تیزشیم عربی عمومی

خانواده تألیف

مؤلف:

بهروز حیدریکی

ویراستار علمی:

مختار حسامی

ویراستاران فنی:

صبا سالک - الهام رضایی - مهناز حامدی

زهرا فروغی - سیده زهرا موسوی‌نیا

خانواده چاپ و طراحی

طراح جلد:

آذر سعیدی‌منش

نظارت بر چاپ:

عباس جعفری

صفحه‌آرها:

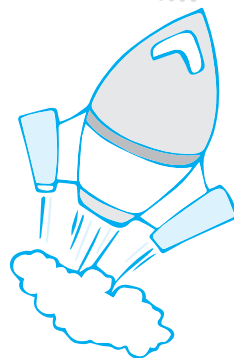
طرلان محمدی - الهام رودبارانی - یاسمین بگری

طراح لی‌اوت:

آتنا کلاتتری

حروف‌نگاران:

مهدی افراشته - حمیده قیصریه



پیتنگ فنار

سخن ناشر

وقتی عبارت «تیزشیم» را می‌بینید؛ یعنی گویندهٔ این عبارت که مشاوران آموزش باشد، چند اندیشهٔ کلیدی را به‌عنوان فرض پذیرفته است:

۱. تیزشیم یعنی تیز بشویم؛ یعنی تیزهوشی ناشی از رفتار و عملکرد و تلاش ماست نه ناشی از ژنتیک و وراثت.

۲. تیزشیم یعنی حتماً بدو! همین‌طور یک‌جا بمانی که تیز نمی‌شوی ...

۳. تیزشیم یعنی چاقوی ذهن‌ت را تیز کن! چاقوی ذهن چطور تیز می‌شود؟ با برخورد با تست‌هایی که به همین منظور برای شما آماده شده است.

«تست‌های سطح بالا» برای تیزشدن شماست.

۴. تیزشیم یعنی کوتاه‌نیا! یعنی قبول نکن که اگر تا سال قبل در ذهن هم‌کلاسی‌ها و معلم‌ها دانش‌آموزِ کُندی تصور می‌شدی، امسال هم همین‌طور قرار است باشد. نه! تیزشیم، یعنی جنگجو باش! کوتاه‌نیا!

۵. تیزشیم یعنی تا آخرین لحظه! یعنی تو خودت را کسی فرض کن که هر چه ضربه بخورد، بلند می‌شود. تیزشیم یعنی جنگجویی که همیشه دقیقهٔ ۹۰ گل می‌زند و بعد از این که بازی تمام شد، غصه می‌خورد و در حین بازی همیشه می‌جنگد و به خودش اجازه نمی‌دهد که حین بازی غصه بخورد. چرا که می‌داند هر لحظه احتمال نتیجه گرفتن وجود دارد.

۶. تیزشیم یعنی همراه شما هستیم تا هر لحظه که خسته شدید از تیز کردن ذهن‌تان، با تست‌ها و پاسخ‌ها و درسنامه نقش «فلفلی را بازی کنیم» که شما می‌خورید و می‌دوید از بس می‌سوزاندتان! یادتان نرود که زیبایی در همین سوختن‌هاست!

در انتها بگویم که امیدوارم مجموعه کتاب‌های تیزشیم، برای شما دانش‌آموزانی که به دنبال بالا رفتن از سطح متوسط هستید و دلتان می‌خواهد قله را نه از تعریف دیگران، بلکه با حضور خودتان تجربه کنید، مفید باشد.

وحد تمنا



مقدمه

تقدیم به «محمود عاشوری» که ورود به این عرصه را مدیون صبوری‌هایش هستم. خیلی حرف‌ها برای گفتن داشتم ولی ترجیح می‌دهم متنی از کتاب «دیوانه» نوشته «جبران خلیل جبران» را با هم بخوانیم:

یک‌بار به مترسکی گفتم: «لابد از ایستادن در این دشت خلوت خسته شده‌ای.»
گفت: «لذت ترسندن عمیق و پایدار است، من از آن خسته نمی‌شوم.»
دمی اندیشیدم و گفتم: «درست است، چون من هم این لذت را چشیده‌ام.»
گفت: «فقط کسانی که نشان از کاه پر شده باشد، این لذت را می‌شناسند.»
آنگاه من از پیش او رفتم و ندانستم که منظورش ستایش من بود یا خوار کردن من.
یک‌سال گذشت و در این مدت مترسک فیلسوف شد. هنگامی که از کنار او می‌گذشتم، دیدم دو کلاغ زیر کلاهش لانه می‌سازند.

درباره کتاب

«تیزشیم عربی عمومی» طوری نوشته شده که اگر:
الف) از ابتدای سال تهیه‌اش کنید، به تنهایی و یا در کنار یک کتاب دیگر، بسیار کمک‌حالتان خواهد بود!
ب) وسط سال تهیه‌اش کنید، (جدای از اینکه می‌گویید کاش از اول سال می‌گرفتمش) همراهی‌تان می‌کند و ضعف‌هایتان را پوشش می‌دهد!
ج) ماه‌های منتهی به کنکور تهیه‌اش کنید، با خوب خواندنش حداقل به درصد ۴۰ می‌رسید!
ظرافت ایده‌پردازی و اجرا و تألیفش همینجا بود!
کتابمان سه بخش داد:

۱- «درسنامه»: مختصر و مفید هرچه که باید می‌دانستید را برایتان آورده‌ام؛ در دو بخش «قواعد» و «ترجمه». سعی کردم خیلی به حاشیه نپردازم و با قلمی ساده و روان و البته مثال‌های کافی، مطالب را برایتان جا بیندازم. خیالتان راحت باشد که علی‌رغم حجم کم درسنامه، هیچ چیزی از قلم نیفتاده. هیچ چیزی! ضمناً واژه‌نامه‌های آخر هر درس را جدی بگیرید!

۲- «تست»: به شکل آزمون برایتان تست طرح کردم. تقریباً هر دو درس را در یک «بسته آزمون» قرار دادم و هر بسته شامل دو آزمون ۱۵ تایی است. بعضی جاها هم مرور داریم. هر پایه یک آزمون جامع دارد و پنج آزمون ۱۵ تایی (تحت عنوان «آزمون تکمیلی») برای همهٔ درس‌ها و پایه‌هاست. کنکورهای ۹۹ حسن ختام تست‌هایمان هستند.

سعی کردم سؤال‌ها منطبق با کنکور (براساس درجهٔ دشواری، گزینه‌سازی و خلاقیت) باشد، البته گاهی دست به طرح تست‌های ساده‌تر و دشوارتر هم زده‌ام.

بعضی تست‌هایی که در این کتاب آمده‌اند، در هیچ کتاب و آزمونی مشابهی ندارند و به قولی سعی کردم دست‌طراحان کنکور را بخوانم. اینکه تا چه حد موفق شده‌ام، الله أعلم! البته کنکور ۹۹ حرفمان را تأیید کرد!

بودجه‌بندی و فضای کنکور نظام جدید را تا حد زیادی رعایت کردم و البته که اصرار داشتم حتماً درک متن در سؤال‌اتمان بگنجد. تک‌به‌تک بررسی کنید تست‌هایمان را! حتی بیشتر از یک‌بار!

درباره کتاب

۳- «پاسخنامه»: چیزی که این کتاب را مشخصاً از دیگر کتاب‌ها متمایز می‌کند، پاسخنامه مفصل و جامعش است که رنگ‌ویوی درسنامه به خودش گرفته! از ابتدا هم همین قصد را داشتم. شیوه‌ها و تکنیک‌هایی که احتمالاً همه‌تان دوست داشتید یک‌جا داشته باشیدشان، در پاسخنامه‌مان چشم انتظاران است.

نکات را کراراً و مکرراً آورده‌ام تا ملکه ذهن‌تان شود.

اسم بهروز حیدربکی روی جلد آمده اما دوستان زیادی در این راه کمک حالش بودند. ممنونم از «احمد خداداد» عزیز که صبورانه همراهی‌ام کرد و دوستان و همکارانش؛ خانم‌ها و آقایان: محمّدی، سلیمان‌زاده، سالک، موسوی، بگلری، حسامی، رضایی و رودبارانی که به بنده لطف داشتند و کمک کردند.

از «وحید تمنا» هم ممنونم که گفت: «بهروز حمله کن و تمامش کن!»

دیربان محترم و دانش‌آموزان عزیز برای ارتباط با بنده، سؤال، انتقاد و پیشنهاد با آیدی زیر در ارتباط باشید:

 @Behrooz_heydarbaki

موفق بمانید

فهرست

درس ۱ و ۲ (عربی دهم).....	۷	آزمون ۱۴.....	۱۰۶
آزمون ۱.....	۲۴	درس ۵ و ۶ (عربی یازدهم).....	۱۰۹
آزمون ۲.....	۲۶	آزمون ۱۵.....	۱۱۶
درس ۳ و ۴ (عربی دهم).....	۲۹	آزمون ۱۶.....	۱۱۹
آزمون ۳.....	۳۷	درس ۷ (عربی یازدهم).....	۱۲۲
آزمون ۴.....	۳۹	آزمون ۱۷ (درس ۷ و مرور).....	۱۲۹
درس ۵ (عربی دهم).....	۴۲	آزمون ۱۸ (درس ۷ و مرور).....	۱۳۱
آزمون ۵ (درس ۵ و مرور).....	۴۹	درس ۱ (عربی دوازدهم).....	۱۳۵
آزمون ۶ (درس ۵ و مرور).....	۵۲	آزمون ۱۹ (درس ۷ یازدهم و درس ۱ دوازدهم).....	۱۴۳
درس ۷ و ۸ (عربی دهم).....	۵۵	آزمون ۲۰ (درس ۷ یازدهم و درس ۱ دوازدهم).....	۱۴۶
آزمون ۷.....	۶۳	درس ۲ و ۳ (عربی دوازدهم).....	۱۴۹
آزمون ۸.....	۶۵	آزمون ۲۱.....	۱۶۰
درس ۸ (عربی دهم) و درس ۱ (عربی یازدهم).....	۶۸	آزمون ۲۲.....	۱۶۳
آزمون ۹.....	۷۹	درس ۴ (عربی دوازدهم).....	۱۶۵
آزمون ۱۰.....	۸۱	آزمون ۲۳ (درس ۳ و مرور).....	۱۷۰
درس ۲ (عربی یازدهم).....	۸۵	آزمون ۲۴ (درس ۳ و مرور).....	۱۷۳
آزمون ۱۱ (درس ۲ و مرور).....	۹۱	آزمون‌های ۲۷ - ۲۵ (آزمون‌های جامع).....	۱۷۵
آزمون ۱۲ (درس ۲ و مرور).....	۹۳	آزمون‌های ۳۲ - ۲۸ (آزمون‌های تکمیلی).....	۱۸۹
درس ۳ و ۴ (عربی یازدهم).....	۹۶	آزمون‌های ۳۷ - ۳۳ (سوالات کنکور سراسری ۹۸ و ۹۹).....	۲۰۴
آزمون ۱۳.....	۱۰۴	پاسخنامه تشریحی.....	۲۵۲

پایه
دوازدهم



کتابخانه
عمومی

مکاتیب الحروف المشبهة بالفعل ولا التامة للجحس

در درس هفتم عربی یازدهم با افعال ناقصه آشنا شدید: «کان: بود، است»، «لیس: نیست»، «صار: اُصْبِحَ: شد، گردید». این فعل‌ها بر ظاهر و معنای عبارت‌ها تأثیر زیادی می‌گذارند.

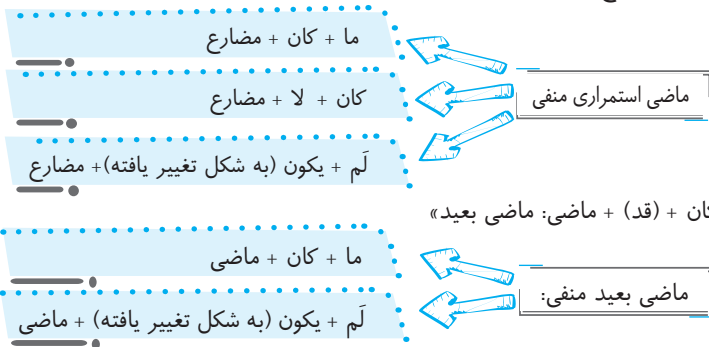
یادآور

- ۱) افعال ناقصه - مانند فعل‌های معمولی - صرف می‌شوند. فقط صرفشان در برخی صیغه‌ها تفاوت دارد. «لیس» هم که فقط صرف ماضی دارد که آن هم معنای مضارع می‌دهد.
- ۲) فعل‌های ناقصه فاعل و مفعول نمی‌گیرند؛ به جایش اسم و خبر دارند.
- ۳) فعل‌های ناقصه مجهول ناپذیرند.
- ۴) نکات ترجمه:

الف) کان ← بود، یَکُونُ: می‌باشد، کُنْ: باش.

* «کان + لَ (عِنْدَ، لَدَى) + اسم: مفهوم داشتن در گذشته»

* «کان + مضارع: ماضی استمراری»



ب) لیس: نیست

* «لیس + لَ (عِنْدَ، لَدَى) + اسم: مفهوم «نداشتن» در زمان حال

ج) اُصْبِحَ: صار: شد، گردید، یُصْبِحُ، یُصْبِرُ: می‌شود، می‌گردد، اُصْبِحُ، صِرْ: بشو

معرفی حروف مشبّهة بالفعل

به مثال‌های زیر دقت کنید:

۱) إِنَّ أكرم الناس عند الله أتقاهم: بی گمان (بی شک، بی تردید) گرامی‌ترین مردم نزد خداوند باتقواترین آن‌هاست.

۲) علمت جيداً أَنَّ الصبر مفتاح الفرج: به خوبی دانستم که بردباری، کلید گشایش است.

۳) إنعقدت حفلة عظيمة في المدرسة و لکنی ما قدرت علی الحضور فيها: جشن بزرگی در مدرسه برگزار شد اما (ولی) من نتوانستم در آن حضور یابم.

۴) هذا المنظر جميل جداً كأنه رسم: این منظره بسیار زیباست، گویی آن، نقاشی است.
 ۵) ليت الإنسان يشكر ربه على أنعمه: کاش انسان از پروردگارش بابت نعمت‌هایش سپاسگزاری نماید.

۶) أرسل إليك نبيّ بالبينات لعلمكم تهتدون: پیامبری به همراه نشانه‌های آشکار به سوی شما فرستاده شد. امید است که (شاید) شما هدایت شوید.
 به حروف «إِنَّ، أَنْ، لَكِنَّ، كَأَنَّ، كَيْتَ، لَعَلَّ» در دستور زبان عربی، حروف مشبّهة بالفعل می‌گویند. این حروف بر ظاهر و معنای عبارت‌ها بسیار تأثیرگذارند.

ایزه‌کاری‌ها

- ۱) «إِنَّ» جایی که نیاز به تأکید باشد در معناهای «قطعاً، بی‌شک، همانا، بی‌تردید، بی‌گمان» و گلاً به صورت کلمات تأکیدی به کار می‌رود. دقت کنید که این حرف کلّ عبارت را تأکید می‌کند (یؤكّد الجملة بأكملها).
 ۲) «أَنَّ» رابط دو قسمت از عبارت است و معنای «که» می‌دهد (یربط الجملتين).

خوانش ان

اگر علامت حرف «ان» گذاشته نشود، خوانش‌های متفاوتی از آن می‌شود. باید با همه آن‌ها و جزئیاتشان آشنا شویم:
 الف) «إِنَّ»: جزء حروف مشبّهة بالفعل است، غالباً همان ابتدای عبارت آفتابی می‌شود و معنای «بی‌گمان، قطعاً»^۱ و این‌ها می‌دهد، حتماً بعدش اسم یا ضمیر خواهید دید:
 إِنَّ العقل مصلح کلّ أمر: بی‌شک عقل اصلاح‌کننده هر کاری است.
 ب) «أَنَّ»: جزء حروف مشبّهة بالفعل است، معنای «که» می‌دهد، وسط عبارت‌ها ظاهر می‌شود و بعد از آن حتماً اسم یا ضمیر می‌آید:
 إعلموا أنّ ثمرة العلم إخلاص العمل: بدانید که نتیجه دانش، خالص کردن عمل است.
 ج) «أَنْ»: جزء حروف ناصبه است، بعدش حتماً فعل (و غالباً فعل مضارع) می‌آید، معنای «که» می‌دهد و فعل مضارع بعدش به صورت التزامی ترجمه می‌شود:
 أريد من الله أن يعطيني صبراً عند المصاعب: از خداوند می‌خواهم که هنگام سختی‌ها به من صبر عطا کند.

نکته

گاهی «أَنْ» در همراهی با «لا» پنهان می‌شود. (أَنْ + لا ← أَلَا):

علیکم ألاّ تلحّوا علی نقاط الخلاف: شما باید که بر نقاط اختلاف پافشاری نکنید. (أَلَا: أَنْ + لا)

د) «إِنْ»: جزء ادات شرط است، بعد از آن حتماً فعل می‌آید (فعل شرط و جواب شرط، البته جواب شرط ممکن است به صورت جمله اسمیه بیاید) و معنای «اگر» می‌دهد:

إِنْ دَخَلَ حَبّ الله فِي قلب حَرَجٍ حَبّ الدنيا منه: اگر عشق خداوند به قلبی وارد شود، عشق

یواب شرط

فعل شرط

دنیا از آن خارج می‌گردد.

۱. گاهی بدون ترجمه و گاهی به معنای «زیرا، که»!



۴) «لکن»: برای رفع ابهام از جمله قبلیش و کامل کردن پیام استفاده می‌شود. (یرفع الإبهام عن قبلها و يُكَمِّل المعنى):

الحياء حسن و لکن في الشباب أحسن: شرم نیکوست اما در جوانان نیکوتر است.

❖ «لکن» را به شکل‌های «أما، ولی، ولیکن، لکن» ترجمه می‌کنند.

❖ «لکن» جزء حروف مشابهة بالفعل به شمار نمی‌رود.

❖ «لکن» را با «لکن» (ل + کُن) اشتباه نگیرید.

۴) «کأن»: غالباً برای بیان تشبیه به کار می‌رود و به معنای «گویا، مانند، مثل» است:

هذه البنت جميلة جداً كأنها قمر: این دختر بسیار زیباست، گویی او ماه است. (او مانند ماه است).



دقت کنید که این کلمه، حرفی است که بر تشبیه دلالت دارد.

۵) «لیت»: برای بیان آرزو به کار می‌رود و غالباً بر حسرت گوینده دلالت دارد، معنای «کاش» می‌دهد و به صورت «یا لیت: ای کاش» هم به کار می‌رود.

لیت أخي ینجح في امتحاناته: کاش برادرم در امتحاناتش موفق شود.



«لیت» غالباً جایی به کار می‌رود که امید به وقوع کار نداشته باشیم. (لا تَرجو وقوعه)

۶) «لعل»: برای بیان «امید» و گاهی شک، گمان و تخمین به کار می‌رود و معنای «امید است که، باشد که، شاید» می‌دهد:

لعلّ المسلمین يتحدون أمام الأعداء: امید است که مسلمانان در برابر دشمنان متحد شوند.



صورت سؤال‌های زیر را می‌توانیم برای «لعلّ» به کار ببریم:

يُفيد معنى الرجاء

يدلّ على الشكّ في وقوع الفعل

نرجو وقوعه

ليس وقوعه حتمياً

عین ما

معرفی «لا»ی نفی جنس

به عبارت زیر دقت کنید:

لیس عمل أفضل من خدمة الناس: کاری بهتر از خدمت کردن به مردم نیست (وجود ندارد).
حالا اگر بخواهیم عبارت بالا را با تأکید زیاد بگوییم، از مثال زیر استفاده می‌کنیم:
لا عمل أفضل من خدمة الناس: هیچ کاری بهتر از خدمت کردن به مردم نیست (وجود ندارد).
می‌بینید که زور «لا» از «لیس» بیش‌تر است. به «لا»ی به کار رفته در مثال بالا، «لا»ی نفی جنس می‌گوییم.

ایده‌کاهی‌ها

- ① اسم پس از «لا»ی نفی جنس، با علامت فتحه، بدون «ال» و بدون تنوین می‌آید. (عمل)
- ② اسم «لا»ی نفی جنس بلافاصله پس از خود «لا» آفتابی می‌شود.
- ③ «لا»ی نفی جنس برای منفی کردن جمله اسمیه با شدت و حدت زیاد استفاده می‌شود.
- ④ زور «لا»ی نفی جنس از تمام ادوات نفی، بیشتر است.

انواع لا

تا الان با انواع مختلفی از «لا» آشنا شدید. همه آن‌ها را یادآوری و جزئیاتشان را بررسی کنیم:

① «لا» در جواب «هل»: در جواب جمله سؤالی که با «هل» است، استفاده می‌شود و معنای «نه، خیر» می‌دهد:

هل أنتم جاهزون؟! لا؛ مع الأسف: آیا شما آماده‌اید؟! نه؛ متأسفانه.

② «لا»ی نفی فعل مضارع: به همراه فعل مضارع می‌آید و معنای آن را به مضارع منفی تبدیل می‌کند. دقت کنید که این نوع «لا» در فعل مضارع تغییر ظاهری ایجاد نمی‌کند: المؤمن لا یخونُ فی أمانات الناس: مؤمن در امانت‌های مردم خیانت نمی‌کند.

③ «لا»ی نهی: همراه فعل مضارع می‌آید. ← حذف «ن» و در ظاهر آن تغییراتی به وجود می‌آورد: به جز جمع مؤنث

إنَّ الكذبَ أمُّ الكبائرِ فلا تكذبُ أبداً؛ دروغ مادر گناهان است؛ پس هیچ‌گاه دروغ نگو.

لله

بعد از کلمات پرسشی، «لا»ی نفی فعل مضارع به کار می‌رود نه «لا»ی نهی:
ألا تفكرون في عجائب الخلق؟! آیا در شگفتی‌های آفرینش تفکر نمی‌کنید؟!

«لا»ی نفی

- ④ «لا» صرفاً به معنای «نه»: أنت طيب لا مدير: تو پزشکی نه مدیر.
- ⑤ «لا»ی نفی جنس: برای منفی کردن جمله اسمیه، با شدت زیاد به کار می‌رود، پس از آن یک اسم بدون «ال» و بدون «تنوین» و همراه با فتحه «ـ» می‌آید و معنای «هیچ ... نیست» می‌دهد:
لا تلميذاً في المدرسة اليوم: امروز هیچ دانش‌آموزی در مدرسه نیست (وجود ندارد).



نکات ترجمه

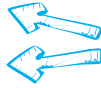
الف) نکات ترجمه مربوط به قواعد درس:

ترجمه حروف مشبّهة بالفعل

① «إِنَّ»: جایی که نیاز به تأکید است به صورت «قطعاً، بی‌شک، همانا» و هر نوع قید تأکیدی ترجمه می‌شود. جایی هم که نیاز به تأکید نباشد، ترجمه‌اش نمی‌کنیم. گاهی هم معنای «زیرا، که» می‌دهد. فقط حواستان باشد که «إِنَّ» کلّ عبارت را تأکید می‌کند و جایش در ترجمه همان ابتدای عبارت است:

بی‌گمان بردبار نزد همه محبوب است. ✓

بردبار نزد همه بی‌گمان محبوب است. ✗



إِنَّ الصبور محبوباً لدى الجميع

* «إِنَّمَا» ادات حصر است (ترکیب «إِنَّ + ما») فقط، تنها ✓
و به شکل «فقط، تنها» ترجمه می‌شود:
بی‌گمان، بی‌شک ✗
بی‌شک فقط، بی‌گمان تنها ✗

تذکر «فَإِنَّ، لِأَنَّ» هر دو به معنای «زیرا» هستند.

② «أَنَّ» ← «که»

③ «لَكِنَّ» ← «اما، ولی، لکن، لیکن»

④ «كَأَنَّ» ← «مثل، مانند، گویا، انگار»

⑤ «لِيت» ← «کاش، ای کاش»

الف) فعل مضارع بعد از «لِيت» به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود:

لِيت التّاس يتوبون من ذنوبهم: کاش مردم از گناهانشان توبه کنند.

ب) فعل ماضی را بعد از «لِيت» به صورت ماضی بعید یا ماضی التزامی یا ماضی استمراری ترجمه می‌کنیم:

لِيت الأطباء اكتشفوا علاج هذا المرض: کاش پزشکان درمان این بیماری را کشف کرده بودند (کشف کرده باشند، کشف می‌کردند).

⑥ «لَعَلَّ» ← «امید است که، باشد که، شاید»

* فعل مضارع پس از «لَعَلَّ» به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود:

لَعَلَّ البشر يستفيد من العلم في الجوانب السلمية: امید است (شاید) که انسان از دانش در موارد صلح‌آمیز استفاده کند.

* «لَعَلَّ» + قد + ماضی: ماضی التزامی: «لَعَلَّ المطر قد نزل علی مزرعتنا: شاید باران بر مزرعه ما باریده باشد.

ترجمه «لا»ی نفي جنس

در ترجمه «لا»ی نفي جنس از «هیچ ... نیست (وجود ندارد)» استفاده می‌کنیم:
لا جهادَ كجهداد النفس: هیچ جهادی مانند جهاد با نفس نیست (وجود ندارد).

(الف) فعل مضارع پس از «لا»ی نفي جنس به صورت مضارع منفي ترجمه می‌شود:

لا شيء كالحرب تؤلم قلوبنا: هیچ چیزی مانند جنگ دل‌هایمان را به درد نمی‌آورد.

(ب) ساختار «لا»ی نفي جنس + اسم + (عند، لَدَى) + اسم به صورت «هیچ ... ندارد» ترجمه می‌شود:

لا أجر لمن يمت علي الآخرين بأعماله: کسی که با کارهایش بر دیگران منت می‌گذارد، هیچ پاداشی ندارد.

(ب) نکات ترجمه متن کتاب و تمرین‌ها:

① توجه به ترجمه «قام»:

(الف) قام: برخاست ← دخل المدرّس الصفّ فقام الطّلاب من مكانهم: معلّم وارد کلاس شد و دانش‌آموزان از جایشان برخاستند.

(ب) قام ي: انجام داد، به ... پرداخت ← قام أخي بعمل مهمّ في الصباح الباكر: برادر من صبح زود به کار مهمّی پرداخت.

(ج) أقام وجهه ي: به ... رو آورد ← «أقم وجهك لِلدّين حنيفاً»: یکتا پرستانه به دین رو بیاور.

② لم يترك: رها نکرد، رها نکرده است.
لم + مضارع ← ماضی منفي (ساده یا نقلی)

③ قد جاءت هذه النقاط في كتب مشهورة: این نکات در کتاب‌های معروفی آمده‌اند.
قد + ماضی ← ماضی نقلی

④ بدأ + فعل مضارع ← مصدر
بدأ الناس يتهايمون عن ابراهيم (ع): مردم درباره ابراهیم (ع) شروع به پیچ کردند.

⑤ حواستان به ترجمه فعل مجهول «قيل: گفته شد» باشد.



قال: گفت (معلوم) قيل: گفته شد (مجهول)
يقول: می‌گوید (معلوم) يُقال: گفته می‌شود (مجهول)



واژه‌نامه

أَصْنَامٌ: بت‌ها	أَحْضَرٌ: حاضر کرد (أَحْضَرُ، يُحْضِرُ)
عَلَّقَ: آویزان کرد (عَلَّقَ، يُعَلِّقُ)	عَظْمٌ: استخوان
عَقَلَ: خردورزی کرد (عَقَلَ، يَعْقِلُ)	أَعْيَى: (أَعْيَنُ + نون وقایه + ي) مرا یاری کن «أَعَانَ، يُعِينُ»
فَأَسَّ: تبر	أَقِمَّ: به پا دار (فعل امر از «أَقَامَ، يُقِيمُ»)
فَرِيَسَةٌ: شکار	أَقِمِ وَجْهَكَ: روی بیاور
قَدَفُوا: انداختند (قَدَفَ، يَقْدِفُ)	أَنِرُ: روشن کن (فعل امر از «أَنَارَ، يُنِيرُ»)
قِيلَ: گفته شد (فعل مجهول از «قَالَ، يَقُولُ»)	إِحْمِي: (أَحْمِ + نون وقایه + ي) مرا حمایت کن «حَمَى، يَحْمِي»
كَتَفَ: شانه، کتف	إِكْتَسَفَ: کشف کرد (اِكْتَسَفَ، يَكْتَسِفُ)
كَسَّرَ: شکاند (كَسَّرَ، يُكْسِرُ)	الإِنْشِرَاحُ: شادمانی
المُجِيبُ: اجابت‌کننده، پاسخ‌دهنده	الأَنْشُودَةُ: سرود
ما يَلِي: آنچه می‌آید	البَسْمَاتُ: لبخندها (مفرد: «البَسْمَةُ»)
مرصوص: استوار، محکم	بَعَثَ: برانگیختن، رستاخیز
مَفْسَدَةٌ: مایه تباهی و فساد	تَأَكَّدَ: مطمئن شد (تَأَكَّدَ، يَتَأَكَّدُ)
نُقُوشٌ: کنده‌کاری‌ها، نگاره‌ها	تَبِعَ: تعقیب کرد (تَبِعَ، يَتَّبِعُ)
حَدَّثَ: صحبت کرد (حَدَّثَ، يُحَدِّثُ)	تَجَنَّبَ: دوری کردن (تَجَنَّبَ، يَتَجَنَّبُ)
حَرَّقُوا: بسوزانید (حَرَّقَ، يُحَرِّقُ)	حَدَّثَ: صحبت کرد (حَدَّثَ، يُحَدِّثُ)
حَضَارَةٌ: تمدن	حَرَّقُوا: بسوزانید (حَرَّقَ، يُحَرِّقُ)
الحِطَّةُ: بخت، شانس، نصیب	حَضَارَةٌ: تمدن
لا تُحْمَلُ: تحمیل نکن (حَمَلَ، يُحْمَلُ)	الحِطَّةُ: بخت، شانس، نصیب
حنیف: یکتاپرست	لا تُحْمَلُ: تحمیل نکن (حَمَلَ، يُحْمَلُ)
خِدَاعٌ: فریب، نیرنگ	حنیف: یکتاپرست
حُذُوا: بگیرید (أَحَذَ، يَأْخُذُ)	خِدَاعٌ: فریب، نیرنگ
داء: بیماری	حُذُوا: بگیرید (أَحَذَ، يَأْخُذُ)
سِوَى: جز	داء: بیماری
السَّلَامُ: آشتی، صلح	سِوَى: جز
سُدَى: بیهوده، باطل، بی‌هدف	السَّلَامُ: آشتی، صلح

سیره: روش و کردار، سرگذشت	سُدَى: بیهوده، باطل، بی‌هدف
شَعَائِر: مراسم	سیره: روش و کردار، سرگذشت
صِرَاع: کشمکش، مبارزه	شَعَائِر: مراسم
طین: گِل	صِرَاع: کشمکش، مبارزه
	طین: گِل

مترادف و متضاد

أَنَارَ = أضاءَ (روشن کرد)	أَعَانَ = سَاعَدَ (کمک کرد)
بَغَتْ = قیامَة (رستاخیز)	الْإِنشِرَاحُ = الشَّرُورُ (شادی)
حَدَّتْ = کَلَمَ (صحبت کرد)	تَجَبَّبَ = إِيْتَاعَدَ (دوری کردن)
داء = مَرَض (بیماری)	خَنِيفٌ = مُوَجَّدٌ (یکناپرست)
أَسْرَعٌ = عَجَلٌ (شتافت)	سُدَى = عَبَثٌ (بیهوده)
عَافِيَةٌ = سَلَامَةٌ (سلامتی)	صِرَاعٌ = نِزَاعٌ (مبارزه)
مَرصُوعٌ = تَسَدِيدٌ (محکم)	قَدَّتْ = رَمَى (پرتاب کرد، انداخت)
سَبَّ = شَاتَمَ (دشنام داد)	خِدَاعٌ = إِحْتِيَالٌ: فَرِيبِکَارِي
تَأَكَّدَ = إِطْمَئَنَّنَ: مَطْمَئِنٌ شَد	قَرِيسَةٌ = صَيْدٌ: شِکَار
حَرَقَ (سوزاند) ≠ أَطْفَأَ (خاموش کرد)	تَجَبَّبَ (دوری کردن) ≠ تَقَرَّبَ (نزدیک شدن)
داء (بیماری) ≠ عِلَاجٌ (درمان)	خَنِيفٌ (یکناپرست) ≠ مُشْرِكٌ (مشرک)
	صِرَاعٌ (کشمکش) ≠ سِلْمٌ (صلح، آرامش)

جمع مکسر

نُقُوشٌ: جمع نَقَشٌ: کنده‌کاری، نگاره	أَصْنَامٌ: جمع صَنَمٌ: بت
تَمَائِلٌ: جمع تَمَالٌ: مجسمه، تندیس	قُؤُوسٌ: جمع فَأْسٌ: تبر
آلهة: جمع إله: خدا	قَرَابِينٌ: جمع قُرْبَانٌ: قربانی
شُعُوبٌ: جمع شَعْبٌ: ملت	أَعْيَادٌ: جمع عِيدٌ: عید
أَكْنُافٌ: جمع کَتَفٌ: کتف، شانه	عُصُورٌ: جمع عَصْرٌ: زمان، دوره
حُطُوطٌ: جمع حَطَّ: شانس، بخت	أَنَاشِيدٌ: جمع أُنشُودَةٌ: سرود
	نُقَادٌ: جمع نَاقِدٌ: ناقد



آزمون ۱۹ - درسی ۷ (عربی ۱۱) و ۱۱ (عربی ۱۲)

عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْكَلِمَاتِ (۲۷۹-۲۷۱):

۲۷۱. ﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾:

- ۱ بی گمان ما آن را قرآنی عربی قرار دادیم؛ امید است که شما خردورزی کنید!
- ۲ بی شک ما قرآن را عربی فرستادیم؛ باشد که شما تعقل نمایید!
- ۳ همانا ما آن قرآن را عربی قرار دادیم؛ ای کاش شما اندیشه نمایید!
- ۴ قطعاً ما قرآن را عربی قرار دادیم که شما در آن تفکر نمایید!

۲۷۲. «لَا تَعْتَرَوْا بِكَثْرَةِ أَعْمَالِ الْمُنَافِقِ وَ إِن كَانَ يَنْظَاهِرُ أَمَامَكُمْ بِكَمَالِ دِيَانَتِهِ فَإِنَّهُ يُخَادِعُكُمْ!»:

- ۱ فراوانی کارهای منافق شما را گول نزنند که در برابران به کمال ایمانش تظاهر می نماید؛ زیرا او در پی فریب شماست!
- ۲ گول اعمال فراوان منافق را نخورید حتی اگر به کامل بودن دینش تظاهر کند، بی گمان او شما را فریب می دهد!
- ۳ گول فراوانی اعمال منافق را نخورید هر چند در مقابل شما به کمال دینداری اش تظاهر کند؛ زیرا او شما را فریب می دهد!
- ۴ نباید گول بسیاری از اعمال منافق را بخورید؛ زیرا او با تظاهر به کامل بودن دینش درصدد فریب دادن شماست!

۲۷۳. «لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ يَظُنُّ أَنَّيْ صَبُورًا هَكَذَا أَمَامَ مُصَابِحِ الدُّنْيَا!»: (انسانی ۹۲)

- ۱ کسی تصوّر نمی کند که من تا این حد در برابر مشکلات زندگی مقاوم باشم!
- ۲ کسی گمان نمی کرد که من در مقابل سختی های دنیا این چنین صبور باشم!
- ۳ هیچ کس تصوّر نمی کرد که من این همه در برابر پیچیدگی های زندگی مقاومت کنم!
- ۴ هیچ کس گمان نکرد که من این چنین در مقابل سختی و مشقت دنیا شکیبایی به خرج دهم!

۲۷۴. «هَذِهِ النُّقُوشُ وَ التَّمَاثِيلُ تَدُلُّ عَلَى أَنَّ أَكْثَرَ شِعَائِرِكُمْ الدِّينِيَّةِ كَانَتْ خِرَافِيَّةً!»:

- ۱ این ها نگاره ها و عکس هایی هستند که دلالت می کنند که بسیاری از مراسم دینی شما خرافاتی است!
- ۲ این مجسمه ها و این نگاره ها بیانگر این هستند که اغلب کارهای مذهبی تان از روی خرافات بود!
- ۳ این کنده کاری ها و نوشته ها بر این موضوع دلالت داشتند که اکثر مراسم دینی تان خرافاتی بوده است!
- ۴ این نگاره ها و تندیس ها دلالت می کنند بر این که بیشتر مراسم مذهبی شما خرافاتی بوده است!





۲۷۵. عَيْنِ الصَّحِيحِ: (فارح از کشور ۹۵)

- ۱) إن كان لي عقل كعقل هذا اليوم فما كنت أخطأت: اگر عقلم مثل عقل امروز بود، خطا نمی کردم.
- ۲) و إن لم أكن أفعل تلك الأخطاء فما كان لي هذا العقل: و اگر آن خطاها را انجام نمی دادم، این عقل را نداشتم.
- ۳) فيجب أن نعتبر بأخطائنا السابقة: پس باید از خطاهای گذشته خود بهره ببریم.
- ۴) و نحذر الأخطاء دائماً لأنّ بعض آثارها مهذمة! و همیشه از خطاها دوری کنیم؛ زیرا بعضی اوقات آثارشان ویران کننده است!

۲۷۶. عَيْنِ الخَطَأِ:

- ۱) مجيب الدعوات، أعني في أداء الأمانة و صدق الكلام! ای برآورنده خواسته‌ها، مرا در امانت‌داری و راست‌گویی یاری ده!
- ۲) إستلمتُ الأدوية من صيدليّة كانت قرب المستشفى! داروها را از داروخانه‌ای که نزدیک بیمارستان بود، گرفتم!
- ۳) هذه المفردات المعرّبة قد جاءت في معجم مشهور! این واژگان عربی شده در واژه‌نامه‌ای مشهور گردآوری شده‌اند!
- ۴) العاقلُ يُنقذ نفسه باتخاذ القرارات الصحيحة! عاقل با گرفتن تصمیمات درست خودش را نجات می‌دهد!

۲۷۷. عَيْنِ الصَّحِيحِ: (فارح از کشور ۸۹ با انركي تغيير)

- ۱) هیچ دگرگونی در سنت‌های الهی نیست! لا تبدیل للسنن الإلهية!
- ۲) هیچ ارزشی برای علم بی عمل نیست! لا قيم لعلم ليس له عمل!
- ۳) هیچ یاسی در دل بنده صالح راه ندارد! لا ينفذ اليأس في قلب العبد الصالح أبداً!
- ۴) هیچ عاقلی را نمی‌شناسم که تجارب راهنمایش نباشند! لا أعرف العاقل لا تكون التجارب هادية له!

۲۷۸. عَيْنِ الخَطَأِ في ضبط حركات الحروف:

- ۱) تَبَادُلُ الْمُفْرَدَاتِ بَيْنَ اللُّغَاتِ أَمْرٌ طَبِيعِيٌّ! ۲) أُرْسِلَ الْأَنْبِيَاءَ لِيُبَيِّنُوا الصَّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ!
- ۳) يُعْجِبُنِي سَخْصٌ لَا يَفْتَخِرُ بِنَسَبِهِ! ۴) لِلْمُتَعَلِّمِ عِنْدَ مُعَلِّمِهِ آدَابٌ!

۲۷۹. عَيْنِ الخَطَأِ في ضبط حركات الكلمات:

- ۱) تَقْدِيمُ الْقَرَابِينِ لِلْأَلْهَةِ لِتَجَنُّبِ سَرِّهَا! ۲) بَدَأَ الْقَوْمَ يَتَهَامَسُونَ: إِنَّ الصَّنَمَ لَا يَتَكَلَّمُ!
- ۳) بَتَأَكُّدِ الطَّائِرِ مِنْ خِدَاعِ الْعَدُوِّ وَ إِتْقَانِ فِرَاحِهِ! ۴) السَّبَّاحُ حَضَرُوا فِي الْمَطَارِ وَ لَكِنَّ الدَّلِيلَ لَمْ يَحْضُرْ!

أجب عن الأسئلة التالية بدقّة (۲۸۵ - ۲۸۰):

۲۸۰. عَيْنِ الخَطَأِ:

- ۱) تراب مختلط بالماء! (الطينة)
- ۲) مكان أصغر من المستشفى يفحص و يعالج المرضى فيه! (المستوصف)
- ۳) يطلق على يوم يحاسب الإنسان في حضرة الله! (العبث)
- ۴) مادة عطرية تفرزها غدة في بطن نوع من الغزال! (المسك)



عربي عمومي

آزمون

٢٨١. عَيْنٌ ما فيه الترادف أو التضادّ:

- ١ و اجعل التوفيق حظّي / و نصيبي في الحياة
- ٢ تقديم القرابين لها لكسب رضاها و تجنّب شرّها!
- ٣ و املاً الصدر انشراحاً و فمي بالبسمات!
- ٤ أكلتم تمرّي و عصبتم أمري!

٢٨٢. عَيْنٌ ما يمكن أن يدلّ على البعيدة في الفارسيّة:

- ١ كان أكابرنا يُلحّون على احترام الصغار!
- ٢ عسى ألاّ تقول في نهاية السنة: ليتني قرأت دروسي جيّداً!
- ٣ سمعت صوتاً من المنادي يدعو إلى الإيمان!
- ٤ عصفت رياح شديدة فلاحظنا غيمة سوداء عظيمة!

٢٨٣. «جنود الإسلام قاتلوا الأعداء بشجاعة و دافعوا عن الوطن الإسلاميّ هم بنيان مرصوص!»

عَيْنٌ كلمة مناسبة للفراغ (حسب الترجمة و القواعد):

- ١ كان
- ٢ ليت
- ٣ أنّ
- ٤ كأنّ

٢٨٤. عَيْنٌ لا النافية للجنس: (تهربى ١٩)

- ١ ألا كلّ شيء غير الله باطل!
- ٢ لا أعلم أنّ أخي هل نجح في الامتحان أم لا!
- ٣ هو و أسرته فقراء لا أغنياء!
- ٤ لا عجب أنّك نجحت لأنك درست جيّداً!

٢٨٥. عَيْنٌ الصحيح فيما يلي:

- ١ لعلّ المطر ينزل علينا اليوم! (العبارة تدلّ على الرجاء أو الشكّ.)
- ٢ ليتكم تدافعون عن القيم الأخلاقيّة! (العبارة تدلّ على الوقوع الحتميّ!)
- ٣ إنّ الله يغفر ذنوب من يتوب إليه! (قد أنّك المبتدأ!)
- ٤ اليوم حفلة ميلادي و لكّتي لست مسروراً! (رُفِعَ الإبهام عن جملة «لست مسروراً!»)



آزمون ۱۳۰ = آزمون تکمیلی ۱۳

عَيْنَ الْأَصْحَاحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ (۴۷۲ - ۴۶۶):

۴۶۶. ﴿إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ﴾:

۱ بی شک خداوند شکافنده دانه و هسته است، زندگی را از مرگ خارج می کند و بیرون آورنده مرگ از زندگی است!

۲ همانا الله شکافنده دانه و هسته است، مرده را از زنده بیرون می آورد و زنده را از مرده بیرون می آورد!

۳ بلاشک الله شکافنده دانه و هسته است، زنده را از مرده بیرون می آورد و بیرون آورنده مرده از زنده می باشد!

۴ قطعاً خداوند دانه و هسته را می شکافد، زنده را از مرده بیرون می آورد و مرده را از زنده بیرون آورده است!

۴۶۷. ﴿لَنْ يَنَالِ التَّوْفِيقَ فِي الْأُمُورِ الْجَمَاعِيَّةِ إِلَّا الَّذِي يَتَّبِعُ أَهْدَافَ الْفَرِيقِ دُونَ أَنْ يَشْعُرَ بِالْيَأْسِ!﴾:

۱ فقط کسی به موفقیت در کارهای گروهی دست خواهد یافت که بدون اینکه احساس ناامیدی کند، اهداف گروه را دنبال می نماید!

۲ موفقیت را در کارهای دسته جمعی را به دست نخواهد آورد جز کسی که هدفهای گروه را بدون احساس ناامیدی دنبال کند!

۳ تنها کسی در کارهای گروهی به موفقیت خواهد رسید که هدفهای گروه را بدون اینکه احساس یأس کند، دنبال نموده باشد!

۴ در کارهای دسته جمعی به موفقیت نایل نخواهد شد مگر کسی که بدون اینکه احساس یأس کند، تابع اهداف گروه باشد!

۴۶۸. ﴿تَأْكُدُ الطَّائِرُ الذَّكْوِيَّ مِنْ خِدَاعِ مُفْتَرَسِ هَجْمٍ عَلَى عُسَّةٍ فَأَسْرَعُ إِلَى انْقِذَاحِ حَيَاتِهِ فَرَاخُهُ!﴾:

۱ پرنده باهوش بر فریب شکارچی ای که بر لانه اش حمله نموده بود، تأکید نمود؛ پس شتابان به نجات زندگی کودکانش اقدام کرد!

۲ پرنده باهوش از حيله شکارچی ای که به لانه اش هجوم آورده بود، اطمینان یافت؛ بنابراین به نجات زندگی جوجه هایش شتافت!

۳ پرنده باهوش از نیرنگ شکارچی ای که در حال حمله به لانه اش بود، اطمینان یافت؛ بنابراین به سرعت زندگی جوجه هایش را نجات داد!

۴ پرنده باهوش از خطر شکارچی ای که به لانه اش هجوم آورده، مطمئن شد؛ پس شتافت تا زندگی جوجه هایش را نجات دهد!



۴۶۹. «لعلّ العلماء يجدون سرّ تلك الظاهرة التي تحيّر كثيراً من الناس في منطقة أبعد من المحيط الأطلسي!»:

- ۱ امید است که دانشمندان سرّ آن پدیده را پیدا کنند که حیرت بسیاری از مردم در منطقه دوری از اقیانوس آرام را برانگیخته است!
- ۲ شاید دانشمندان راز آن پدیده‌ای که بسیاری از مردم را در منطقه‌ای دورتر از اقیانوس آرام حیرت‌زده می‌نماید، پیدا کنند!
- ۳ شاید دانشمندان دریابند راز آن پدیده‌ای که بیشتر مردم در منطقه دوری از اقیانوس اطلس را حیرت‌زده می‌کند!
- ۴ باشد که دانشمندان سرّ آن پدیده که باعث حیرت بسیاری از مردم در منطقه‌ای دورتر از اقیانوس اطلس شده است، بیابند!

۴۷۰. عین الخطأ:

- ۱ تُكره مجالسة هؤلاء الجماعة لفحشهم! هم‌نشینی با این جماعت به دلیل گفتار و کردار زشتشان ناپسند شمرده می‌شود!
- ۲ لا تغتروا بكثرة صلاة المنافقين فإنهم يتظاهرون بديانتهم! فراوانی نماز منافقان شما را فریب ندهد؛ زیرا آن‌ها به دیانتشان تظاهر می‌کنند!
- ۳ إشتقّ العرب من بعض الكلمات الدخيلة مفردات و نطقوها وفقاً للسانهم! عرب‌ها از برخی واژگان دخیل، کلماتی را برگرفتند و آن‌ها را طبق زبانشان بر زبان آوردند!
- ۴ بدأ المفكر يتحدّث عن مصادر كتابه الذي تُرجم إلى عدّة لغات! اندیشمند شروع به صحبت درباره منابع کتابش کرد که به چندین زبان ترجمه شده است!

۴۷۱. عین الصحيح:

- ۱ الحكمة لا تعمر إلا في قلب المتواضع فإنّ التواضع آلة العقل! فقط حکمت در دل فروتن ماندگار می‌شود؛ چرا که فروتنی، ابزار خرد است!
- ۲ بينما كنت أقرأ مجلة إذ ناداني أبي بصوت مرتفع! در حالی که مجله‌ای را می‌خواندم، ناگهان پدرم با صدایی بلند من را صدا زد!
- ۳ الذي يلزم الآخرين دائماً و يحسب نفسه خيراً منهم هو مُخطئٌ شديداً! کسی که دائماً از دیگران عیب‌جویی می‌کند و خودش را بهتر می‌داند، او شدیداً خطاکار است!
- ۴ هل تُصدّق أنّ زميلنا قام بفضح أقرباءه بكلامه! آیا راست می‌گویی که هم‌کلاسی‌مان با کلامش، نزدیکان خود را رسوا کرده است!

۴۷۲. عین الخطأ في التعريب:

- ۱ پافشاری بر نقاط اختلاف کاری است که هیچ‌کس از آن سود نمی‌برد! الإصرار علی نقاط الخلاف عمل لا ينتفع به أحد!
- ۲ دو برادر و پدرم به شهری تاریخی سفر خواهند کرد! أحوای و والدي سيسافرون إلى مدينة تاريخيّة!
- ۳ پیامبری به سوی پادشاه فرستاده شد، پادشاه از دستورات آن پیامبر سرپیچی نمود! أرسل رسول إلى الملك، الملك عصی أوامر الرسول!
- ۴ هر روز در ساعت یک ربع مانده به نُه به خانه برمی‌گردم! أرجع إلى البيت في الساعة السادسة إلّا ربعاً كلّ الأيام!



عَيِّن المناسب في الجواب للأسئلة التالية (٤٨٥-٤٧٣):

٤٧٣. عَيِّن ما ليس فيه التضاد:

- ١ إختفاء ذاك الحيوان عند الخطر و ظهوره بعد زواله عجيب جداً
- ٢ تقديم القرايين للآلهة لكسب رضاها و تجنّب شرّها!
- ٣ إتّي وائق بنتيجة هذا العمل بينما أخي متردّد فيها!
- ٤ إذا تمّ عقل الإنسان نقص كلامه بلا شك!

٤٧٤. عَيِّن ما يختلف فيه نوع الجمع:

- ١ موازين العدل أقيمت في بلد يحكمه ملك عادل!
- ٢ الأفضّل أن تقومي بقراءة الكتب في أوقانك الفارغة!
- ٣ إعلم بأنّ خير الإخوان أقدمهم!
- ٤ إنّ البشر في خسر إلاّ الذين آمنوا و عملوا الصالحات!

٤٧٥. عَيِّن وزن «أفعل» ليس اسم تفضيل:(افحصا منى انسانى فارح ٩٩)

- ١ أسعى الشباب أختبرنا بنتيجة سعيه!
- ٢ إنّ زميلي حسناً أحسن إخوته في العائلة!
- ٣ أهذى أخي عيوي إليّ بعدما أصلح نفسه!
- ٤ زرت أطول الكهوف المائيّة مع أحبّ أصدقائي!

٤٧٦. عَيِّن الخبر ليس فعلاً (حسب الترجمة و القواعد):

- ١ الغواصّ الّذي ذهب إلى عمق المحيط التقط صوراً!
- ٢ غاية شركتنا في هذه السنة تقدّم ملحوظ في المجالات المختلفة!
- ٣ تلك الدرر أستخرجت من الخليج الفارسيّ!
- ٤ تساقط الأسماك من السماء يخيّر كثيراً متّ!

٤٧٧. عَيِّن «اللام» تختلف في الترجمة:

- ١ أجلس الأب الولد عنده و قرأ له قصّة رائعة!
- ٢ إشترت الأمّ لأخي الأصغر حاسوباً متقدّماً!
- ٣ سأل المريض من الطبيب: «ماذا كتب لي في الوصفه!»
- ٤ من هذا الّذي قد سمح الناس له باستلام الحجر!

٤٧٨. عَيِّن عبارة ما جاء فيها اسم الفاعل و اسم المفعول معاً:(فنى و مره اى ٨٩)

- ١ هو الطالب الّذي وقته مُغتنام و قيّم عنده!
- ٢ الإنسان الناجح مُعتمد عند كلّ أصدقائه و أقربائه!
- ٣ سأله الأستاذ مُتعبجاً من كلام ذلك الشخص!
- ٤ أنا أحبّ الأمر بالمعروف و أستمع إلى كلامه بدقّة!



۴۷۹. عین «من» لا تدلّ علی الشرط:

- ۱ من یرید أن یكون ناجحاً في الامتحان هو التلميذ المثالي!
- ۲ من قرأ سيرة الأنبياء و قصصهم وجد درس الأخلاق فيها!
- ۳ من جمع علم الناس إلى علمه فهو أعلم الناس!
- ۴ من لم يشاهد نتيجة جهده في البداية فلا يبأس من مواصلة الطريق!

۴۸۰. عین الصحيح في الإعراب و التحليل الصرفي:

- ۱ «كان الناس أمة واحدة فبعث الله النبيين مبشرين»: جمع سالم للمذكر، اسم الفاعل (من المزيد الثلاثي)، معرفة / صفة و الموصوف «النبيين»
- ۲ أحضر الناس نبيّ الله للمحاكمة و سألوه أسئلة! مفرد مؤنث، مصدر (من المزيد الثلاثي)، نكرة / مجرور بحرف الجرّ
- ۳ سمكة السهم تطلق قطرات الماء في اتجاه الحشرات! فعل مضارع، للمفرد المؤنث الغائب، مزيد ثلاثي (ماضيه: أطلق) / فعل و مع فاعله جملة فعلية و الجملة خبر
- ۴ الشجرة الخائفة تبدأ حياتها بالانتفاف حول جذع شجرة! مضارع، للمفرد المؤنث المخاطب، مجرّد ثلاثي / فعل و فاعله «حياة» و الجملة خبر

آزمون ۳۳ = آزمون تکمیلی ۴

عین الأنسب في الجواب للترجمة من أو إلى العربية (۴۸۷ - ۴۸۱):

۴۸۱. «يا أيها الناس صُرب مثل فاستمعوا له إنّ الذين تدعون من دون الله لن يخلقوا ذباباً»:
- ای مردم ...
- ۱ یک مثال زده شد؛ پس به آن گوش فرا دهید، بی‌گمان آن‌هایی که جز خداوند را می‌خوانند، مگسی را نخواهند آفرید!
 - ۲ مثلی زده شد؛ بنابراین به آن گوش فرا دهید، به‌طور قطع کسانی که جز الله فرا می‌خوانند، مگسی را هم خلق نخواهند کرد!
 - ۳ یک مثل زده شد؛ لذا آن را گوش کنید، همانا کسانی که غیر از خداوند فرا خوانده‌اید، قادر به خلق مگس هم نخواهند بود!
 - ۴ مثالی زده شد؛ پس به آن گوش دهید، قطعاً آن‌ها را که به غیر از خداوند می‌خوانند، مگس را هم نخواهند آفرید!

۶۵۹. عین ما فيه الحال:

- ۱) إِنَّ شجرة الخبز شجرة عجيبة و تحمل الأثمار في نهاية الأغصان!
- ۲) رأيت شجرة الخبز و هي تحمل أثمارها في نهاية أغصانها!
- ۳) رأيت شجرة الخبز التي تحمل الأثمار في نهاية الأغصان!
- ۴) شجرة الخبز تحمل أثمارها في نهاية أغصانها!

۶۶۰. عین ما ليس فيه مفهوم الحصر:

- ۱) لا نأخذ إلى موقف التصليح إلا السبارة المعطلة!
- ۲) لا يستر الناس إلا ما يخافون من عواقب جهره!
- ۳) يتناول هذا المريض أنواع الفواكه إلا التفاح!
- ۴) لم تكن السلامة إلا بالذهن السليم!

آزمون ۳۹ - گنگور علوم تجربی ۹۹

عین الأنسب للجواب عن الترجمة أو المفهوم من أو إلى العربيّة (۶۷۰ - ۶۶۱)

۶۶۱. {قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ ...}: بگو ای اهل کتاب ...

- ۱) به سمت سخنی یکسان بین ما و خودتان بیابید که، به جز خداوند را نپرستیم ...
- ۲) به سوی سخنی بیابید که بین ما و شما یکسان بوده است و فقط الله را پرستیم ...
- ۳) به سوی کلمه‌ای بشنابید که بین شما و ما برابر بوده است و به غیر از الله را نپرستیم ...
- ۴) به سمت کلمه‌ای یکسان بشنابید که بین ما باشد، و اینکه فقط خداوند را پرستیم ...

۶۶۲. «علینا أن نحترم الأديان الإلهية و أن نتعایش مع المعتقدين بها تعایشاً سلیمتاً»:

- ۱) بر ما است به دین‌های خدایی احترام گذاریم و با کسانی که به خدا اعتقاد دارند با مسالمت زندگی کنیم!
- ۲) بر ما است که به ادیان الهی احترام بگذاریم و با معتقدین به آن‌ها زندگی مسالمت آمیزی داشته باشیم!
- ۳) بر ما واجب است که به ادیان خدایی احترام کنیم و با کسانی که معتقد هستند با مسالمت زندگی کنیم!
- ۴) بر ما لازم است دین‌های الهی را محترم شمرده با معتقدان به آن زندگی سالمی را داشته باشیم!

۶۶۳. «الفشل تحمّله صعبٌ ولكنّه يخلُق لكُ فرصاً ستستفيد منها للنجاح!»:

- ۱) تحقّل شکست دشوار است ولی شکست برای تو فرصتی را می‌آفریند که از آن در پیروزی استفاده می‌کنی!
- ۲) پذیرش شکست سخت است لکن موقعیت‌هایی برای تو خلق می‌شود که از آن برای پیروزدن استفاده می‌کنی!
- ۳) شکست خوردن و پذیرش آن دشوار است اما موقعیت‌هایی که برای تو خلق می‌کند، از آن‌ها در پیروزی استفاده خواهی کرد!
- ۴) شکست تحمّلش سخت است ولیکن برای تو فرصت‌هایی می‌آفریند که از آن‌ها برای پیروزدن استفاده خواهی کرد!

۶۶۴. «کم شخصاً نعرف أنهم يعملون بما يقولون، فيؤثرون علينا تأثيراً عميقاً لا نجد مثله في الآخرين!»:»

- ۱) چند شخص را می‌شناسیم که می‌گویند چیزی را که بدان عمل می‌کنند، پس بر ما تأثیر عمیقی می‌گذارند که همانند آن را در دیگران نمی‌یافتیم؟!
 - ۲) چند شخص را شناخته‌ایم که به چیزی که می‌گویند عمل می‌کنند، و بر ما آنچنان تأثیری دارند که در دیگران مثل آن را نیافته‌ایم؟!
 - ۳) چند نفر را می‌شناسیم که آن‌ها چیزی می‌گویند که عمل می‌کنند، و بر ما آنچنان اثری دارند که در افراد دیگر همانندش را نمی‌یابیم؟!
 - ۴) چند نفر را می‌شناسیم که به آنچه می‌گویند عمل می‌کنند، پس بر ما تأثیر عمیقی می‌گذارند که در دیگران مثل آن را نمی‌یابیم؟!

۶۶۵. «يستطيع الناس أن يقرؤوا من الكتب ما يحبونها، إلا من ليس لهم فكرٌ قادر على تمييز المسائل!»: مردم می‌توانند

- ۱) از کتاب‌ها هرچه دوست می‌دارند بخوانند، جز کسانی که توانایی برای تشخیص امور ندارند!
 - ۲) بخوانند هر آنچه را از کتاب‌ها که دوست دارند، مگر آنکه قدرت جداکردن امور را نداشته باشند!
 - ۳) از کتاب‌ها آنچه را دوست دارند بخوانند، مگر آنان که فکری قادر بر تشخیص مسائل نداشته باشند!
 - ۴) کتاب‌هایی را که دوست می‌دارند بخوانند، مگر اینکه نتوانند با فکر و توانایی مسائل را از یکدیگر جدا کنند!

۶۶۶. هذا المعلمُ قد قام بتشكيل فریقین يجتهد لاجبوهما فرحين سته أيام من الأسبوع اجتهاداً!»: این معلم

- ۱) با خوشحالی به تشکیل دو گروهی اقدام نموده که بازیکنان آن‌ها شش روز از هفته را بسیار تلاش می‌کنند!
 - ۲) با شادی به شکل‌دادن دو گروه که بازیکنان آن‌ها شش روز هفته را به‌سختی تلاش می‌کنند، اقدام می‌نماید!
 - ۳) اقدام به تشکیل دو تیم کرده است که بدون شک بازیکنانشان در شش روز از هفته با خوشحالی تلاش می‌کنند!
 - ۴) اقدام به شکل‌دادن تیم‌هایی کرده که بازیکنانشان با شادی، شش روز هفته را تلاش فراوان می‌نمایند!

۶۶۷. «طوبى لمن يود لسانه على الكلام اللين حتى لا يخاف الناس منه بل يقبلون عليه!»:»

- ۱) خوشا به حال کسی که زبان خود را به کلام نرم عادت دهد تا مردم از او ترسند بلکه به او روی آورند!
 - ۲) خرم آن کس که زبان او به سخن لطیف عادت نماید تا زمانی که مردم از او نترسند و او را قبول داشته باشند!
 - ۳) خوشا آن کس که زبانش را به کلامی لطیف عادت دهد تا نه تنها مردم از او ترسند بلکه به او روی آورند!
 - ۴) خوش به حال آن کسی که زبانش به سخن نرم عادت کند تا اینکه مردم از او نترسند و نیز او را بپذیرند!



۶۶۸. عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱) التفكّر ساعتين خيراً من العبادة ساعتاً!؛ مدّت دو ساعت فکر کردن بهتر از ساعتی از عبادت است!
- ۲) العُقلاء لا يقفون ما ليس لهم به علمٌ!؛ انسان‌های عاقل بر چیزی که به آن علمی ندارند، توقف نمی‌کنند!
- ۳) إنّ النفس المطمئنة لا تأخذ اطمئنانها إلا من ربّها!؛ نفس مطمئنّه آرامش از هیچ کس جز از خدا نمی‌گیرد!
- ۴) بعد أن فكّر لحظاتيّ وَجَدَ المأمَن الَّذِي كان قد لَجَأَ إليه قبل هذا!؛ بعد از اینکه لحظاتی فکر کرد محلّ امنی را که قبل از این به آن پناه برده بود، یافت!

۶۶۹. عَيْنِ الخَطَأِ:

- ۱) تجرّي مياه الشَّلَالِ من الأعلى إلى الأسفل مُتتاليَةً!؛ آب‌های آبشار از بالا به پایین پشت سر هم جاری می‌شوند!
 - ۲) رائحةُ ماءِ المستنقعات كريهةٌ لأنّه لا يتحرّك!؛ بوی آب مرداب‌ها ناخوشایند است زیرا حرکت نمی‌کند!
 - ۳) لا عَجَبَ في أن تُوجَلَّ أعمالنا الحسنة!؛ هیچ تعجّبی نیست که در کارهای خوبمان عجله کنیم!
 - ۴) لا يُغرق في المدح والذمّ إلاّ الأحمق!؛ فقط احمق در ستودن و مذمت کردن اغراق می‌کند!
۶۷۰. «عالم‌ترین مردم کسی است که علم مردم را بر علم خود افزود!» عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱) أعلم الناس من جَمع علمِ الناس إلى علمه!
 - ۲) الأَعلم الناس من قد يجمع على علمه علم الناس!
 - ۳) الأَعلم من الناس الَّذي يجمع علم الناس إلى علمه!
 - ۴) أعلم من الناس هو الَّذي قد جمع إلى علمه علم الناس!
- إقرأ النّصّ التالي ثمّ أجب عن الأسئلة بما يناسب النّصّ: (۶۷۴ - ۶۷۱)
- أولّ خطوة (= قدم) في تغيير الحياة هي الاعتناء بالأُمور المهمّة و الاهتمام بها. و من جملة هذه الأُمور هي معرفة آملنا و أحلامنا و كذلك الأهداف الّتي جعلناها لحياتنا و السعي وراء تحسينها. و المهمّ هو أن نَعلم أنّ حصول الحياة السعيدة للإنسان بحاجة إلى التأمّل في الحياة الأخلاقية و ارتقائها و كذلك الحياة الصحيّة معاً، لأنّ الصّحة لا تبقى دائماً فإنّ البدن يتعرّض لتغييرات جسديّة مختلفة و كذلك روحيّة و عاطفيّة بمرور السنوات!
- فمن النّوصيات الأكيدة في هذا الجانب هو الاهتمام بتغذية الجسد و الذهن معاً و ذلك لتشكيل حياة متوازنة تُناسب التغييرات الجسديّة الّتي تحصل له مع الزمن. و من الجدير بالذكر أنّ ممارسة التمارين الرّياضيّة المفيدة تُساعد الشخص على حياة أكثر صحّةً و سعادةً في الجانب الجسديّ و الذهنيّ!

۶۷۱. عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱) الرّياضات البدنيّة لا تُساعد إلاّ الجسم!
- ۲) الصّحةُ تستمرّ في الحياة مادام الإنسان يطلبها!
- ۳) التغييرات الجسديّة و الروحيّة و العاطفيّة لا تظهر لنا إلاّ بعد زمن قليل جدّاً!
- ۴) من استطاع أن يُميّز بين أُموره المهمّة و بين غيرها، قام بأول خطوة في تشكيل الحياة السعيدة!

٦٧٢. كيف نغيّر حياتنا للوصول إلى التوازن؟ عيّن الخطأ:

- ١ بالقيام بممارسات رياضية تحافظ على صحّة الأبدان!
- ٢ بالتعرّض للتغيرات أمام الأمور والحوادث والأشياء!
- ٣ بالاهتمام بالجانب الذهنيّ و المحاولة لإخراج الرذائل منه!
- ٤ بتغذية البدن بالموادّ اللازمة التي تحافظ على سلامة الأبدان!

٦٧٣. ماذا يُعِيننا حين أردنا أن نحصل على السعادة في الحياة؟ عيّن الصحيح:

- ١ الاهتمام الكثير بالأمور الأخلاقية و الصحّية!
- ٢ قلّة ملاحظتنا إلى مرور الزمان و تأثيره علينا!
- ٣ الاتكاء على آمالنا و أحلامنا يضمن لنا كلّ شيء!
- ٤ الصّحة الجسديّة تُغني من كلّ شيء فإنّها تضمن السعادة!

٦٧٤. عيّن ما هو أنسب لعنوان النصّ:

- ١ الحياة السعيدة
- ٢ الرياضات المفيدة
- ٣ الحياة الصحّية و أثرها
- ٤ أثر الصحّة في معرفة الآمال

عيّن الصحيح في الإعراب و التحليل الصرفي (٦٧٧ - ٦٧٥)

٦٧٥. «يتعرّض»:

- ١ فعل مضارع - للغائب - ماضيه «تعرّض» و مصدره «تعرّض» من وزن «تفعّل»
- ٢ مضارع - للغائب - حروفه الأصليّة ثلاثة، و مصدره «تعرّض» / فعل و مع فاعله جملةً فعليّة
- ٣ مضارع - حروفه الأصليّة «ع، ر، ض» و حرفه الزائدة «ي، ت» و مصدره من وزن «تفعلّ»
- ٤ فعل مضارع - للمخاطب - له ثلاثة حروف أصليّة و حرفان زائدان (= مزيد ثلاثي) / فعل و مع فاعله جملةً فعليّة

٦٧٦. «تُساعد»:

- ١ مضارع - حروفه الأصليّة ثلاثة «س ع د» / مع فاعله جملةً فعليّة، و مفعوله «الشخص»
- ٢ مضارع - للمؤنث - حروفه الأصليّة «س، ا، د» و مصدره «مساعد» من وزن «مفاعلة»
- ٣ فعل مضارع - للمخاطب - له ثلاثة حروف أصليّة و حرف زائد و هو الألف / مع فاعله جملةً فعليّة
- ٤ فعل مضارع - له ثلاثة حروف أصليّة و حرفان زائدان / فعل و مع فاعله جملةً فعليّة، و مفعوله «الشخص»

٦٧٧. «أوّل»:

- ١ اسم - من الأعداد الترتيبية - مفرد مذكّر / مبتدأ، و الجملة اسميّة
- ٢ اسم - مفرد مذكّر - نكرة / مبتدأ و خبره «خطوة» و الجملة اسميّة
- ٣ مفرد مذكّر - من الأعداد الترتيبية - معرفة / مبتدأ و مع خبره جملةً اسميّة
- ٤ من الأعداد الأصليّة - للمفرد المذكّر - نكرة / مبتدأ و مع خبره جملةً اسميّة

عيّن المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (٦٨٥ - ٦٧٨)

٦٧٨. عيّن الخطأ في ضبط حركات الحروف:

- ١ استلم الأديّة في الصّيدليّة في نهاية ممرّ المُستوصف!
- ٢ للزّرافة صوت يُحدّر الحيوانات حتّى تتباعد عن الخطر!
- ٣ إنّ الامتحانات تُساعد طُلاب المدارس لتعلّم دروسهم!
- ٤ على كلّ النّاس أن يتعايشوا مع بعضهم تعايشاً سلّمياً!

٦٧٩. عَيْنُ الْمُنَاسِبِ لِلْفِرَاقِ: «..... يَجْعَلُ الْجَوَّ لَطِيفًا وَ نَحْنُ نَسْتَفِيدُ مِنْهُ فِي الْأَيَّامِ الْحَارَّةِ!»:

١ الحاسوب ٢ تيار الماء ٣ مكيف الهواء ٤ تيار الكهرباء

٦٨٠. عَيْنُ الْخَطَأِ عَنْ عِلَامَاتِ «الْمُؤْمِنِ»:

١ ورعه ثابت في الخفاء و العَلَن!
٢ لا يصبر إلا قليلاً عند المصيبة!
٣ صدقه دائمٍ عند الخوف و الرجاء!
٤ لا يحلم إلا كثيراً عندما يغضب!

٦٨١. عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

١ أكبر حيوان نراه حولنا هو الفيل!
٢ يجب أن ترى الآخرين أحسن مثلاً!
٣ أحسن إلى الناس كما تُريد أن يُحسنوا إليك!
٤ أكره الأعمال لقطع التواصل بين الناس هو الغيبة!

٦٨٢. عَيْنُ مَا فِيهِ «نُونُ الْوَقَايَةِ»:

١ أتمنى أن أصدع إلى ذلك الجبل المرتفع!
٢ لا تحزني يا صديقتي العزيرة على هذه المشكلة!
٣ أختي! يجب عليك أن تُعيني برنامجك في الأسبوع!
٤ كان صديقي في البحر، فنادي: إن لم تُعينوني أغرق!

٦٨٣. عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفِرَاقِ:

ذهبت مع أُسرتي إلى سفرة يوم الأحد. طالت سفرتنا ثلاثة أيام. رجعنا في الساعة السابعة

صباحاً. كُنَّا خمس ساعات في الطريق، فوصلنا في الساعة من يوم إلى بيتنا!

١ الثاني عشر / الثلاثاء ٢ الثانية عشرة / الأربعاء
٣ الثاني عشر / الأربعاء ٤ الثانية عشرة / الاثنين

٦٨٤. عَيْنُ الْفِعْلِ الَّذِي لَا يُمَكِّنُ أَنْ يُقْرَأَ مَجْهُولاً (على حسب المعنى):

١ أخبرت الطالبات كلهنّ بهذا الخبر المهم!
٢ أرضعت الأم الحنون ولدها و هو صغير جداً!
٣ أرسلت قوانين الشريعة في الكتب السماوية للناس!
٤ أغلقت أبواب المدرسة يوم أمس بسبب الأمطار الكثيرة!

٦٨٥. عَيْنُ مَا فِيهِ الْخَبَرُ مِنْ نَوْعِهِ: الْأَسْمِ وَ الْجُمْلَةِ:

١ دُور الدلافين في تمييز أماكن تجتمع الأسماك أمرٌ مهمٌ للإنسان!
٢ الدلافينُ عدوةٌ لسماك القرش فحينما تراه تتجمع حوله و تقتله!
٣ هذه الحيوانات تُحيرنا جداً في أسلوب حياتها و كثرة جمالها!
٤ الدلفين حيوان ذكي و هو يُحب الإنسان و مساعدته مهما أمكن!



نیزتتیم
عربی عمومی

یاسخنامہ





فعل نهی مخاطب از لفظ «نباید» استفاده نمی‌کنیم. (رد گزینه «۴»)

۲- ترجمه درست واژگان: «کثرة: فراوانی»، «دیانة: دین‌داری، دیانت»، «کمال: کمال» (رد گزینه‌های «۲» و «۴»)

۳- اصطلاحات هم خیلی مهم‌اند. «و این» را به صورت «هر چند، حتی اگر» ترجمه می‌کنیم. (رد گزینه‌های «۱» و «۴»)

۴- «فانّ» یعنی «زیرا، چون‌که» (رد گزینه «۲»)
۵- «یُخادعُ»: فریب می‌دهد» فعل مضارع از صیغه للغائب و ضمیر «کم» مفعولش است. (رد گزینه‌های «۱» و «۴»)

۲۷۳. گزینه ۲

۱- ساختار و زمان فعل‌ها در ترجمه خیلی اهمیت دارند: «لم + یكون (تغییر یافته) + مضارع: ما + كان + مضارع = ماضی استمراری منفی» ← لم یکن یظنّ: گمان نمی‌کرد (رد گزینه‌های «۱» و «۴») ضمن این‌که فعل «یظنّ» هم باید درست ترجمه شود. (رد گزینه‌های «۱» و «۳»)

۲- ترجمه درست واژگان: «هكذا: این چنین» (رد گزینه‌های «۱» و «۳»)

۳- «أكون صبوراً: صبور باشم» (رد سایر گزینه‌ها)

۴- توجه به مفرد یا جمع بودن اسم‌ها: «مصاعب: سختی‌ها» جمع است (رد گزینه «۴») و باید درست ترجمه شود. (رد گزینه‌های «۱» و «۳»)

۲۷۴. گزینه ۴

۱- اگر بعد از «هذه» اسم جمع «ال» دار بیاید، «هذه» به صورت مفرد (این) ترجمه می‌شود. در حقیقت اسم بعدش، خبر نیست و با هم گروه اسمی تشکیل می‌دهند. (رد گزینه «۱»)

۲- ترجمه درست واژگان: «النقوش: نگاره‌ها، کنده‌کاری‌ها»، «التمائیل: مجسمه‌ها، تندیس‌ها» (رد سایر گزینه‌ها)، «شعائر: مراسم» (رد گزینه «۲»)، «أكثر: بیش‌تر، اکثر، اغلب» (رد گزینه «۱»)

ترجمه گزینه‌ها: ۱) «نشانه‌های خداوند بر روی زمین فراوان است؛ پس درباره آن‌ها اندیشه ننمایید.» بودن نشانه‌های خداوند بر روی زمین صرفاً متعلّق به گذشته نیست؛ بلکه به حال و آینده هم مربوط است. پس نمی‌شود «کانت» را به صورت «بود» ترجمه کرد. ۲) «در کلاس‌مان دانش‌آموزی بود که در خردسالی‌اش پدرش را از دست داده بود.» ۳) «از حلّ آن قضیه دشوار نا امید بودیم.» ۴) «دانشمندانمان به مطالعه مداوم پایبند بودند.» گزینه‌های «۲» تا «۴» صرفاً مربوط به گذشته‌اند.

۲۷۵. گزینه ۳

بررسی گزینه‌ها: ۱) «كان + مضارع: ماضی استمراری» ← كُنَّ یذهبن: می‌رفتند. فعل «كُنَّ» به واسطه «و» روی «یطالعن» هم اثر معنایی گذاشته ← مطالعه می‌کردند ۲) فعل ماضی + اسم نکره + جمله وصفیه (مضارع): (غالباً) ماضی استمراری «دو دوستم به روستایی سفر کردند که عکسش را در اینترنت می‌دیدند.» ۳) «إِنَّ + كُنَّ (ضمیر)» ← «بی‌گمان شما با نیکان همنشینی می‌کنید و از اشرار دوری می‌کنید.» ۴) لَمْ + مضارع: ماضی منفی ← لَمْ أَشاهدُ: ندیدم

۲۷۶. گزینه ۱

۱- «جعلنا: آن را قرار دادیم» ضمیر «ه» مفعول است و «جعلنا» هم باید درست ترجمه شود. (رد سایر گزینه‌ها)
۲- «قرآناً عربیّاً: قرآنی عربی» ترکیب وصفی است (رد سایر گزینه‌ها). در ترجمه حواستان به انواع ترکیب‌ها باشد.

۳- «لعلّ» یعنی «امید است که، باشد که» (رد گزینه‌های «۳» و «۴»). ترجمه حروف مشابهة بالفعل خیلی خیلی اهمیت دارد.

۴- در ترجمه نباید خبری از حذف و اضافه باشد. «در آن» در گزینه «۴» وصله زائد است.

۲۷۷. گزینه ۳

۱- «لا تغتروا: فریب نخورید، گول نخورید» فعل نهی از صیغه جمع مذكر مخاطب است (رد گزینه «۱»)، در ترجمه





۳- توجه به زمان فعل‌ها: «تدلّ: دلالت می‌کند» مضارع و «کانت: بوده است» ماضی می‌باشد (رد سایر گزینه‌ها)

۴- حذف و اضافه: «این» در «این نگاره‌ها» اضافی است. (رد گزینه «۲»)

۲۷۵. گزینه ۲ ﴿ترجمه صحیح و بررسی سایر

گزینه‌ها: ۱) «اگر عقلی مانند عقل امروز را داشتیم، خطا نکرده بودم.»

توضیح: الف) «کان + ل + اسم: مفهوم داشتن در گذشته» چون با «انّ» شرطیه همراه شده می‌توانیم به صورت مضارع ترجمه‌اش کنیم.

ب) «کان + ماضی: ماضی بعید» (ما کنت أخطأت)

ج) توجه به معرفه و نکره بودن اسم‌ها (عقل) ۳) «آن تعبیر: پند بگیریم»

۴) «بعض» به همراه «آثار» آمده ← زیرا بعضی از آثارشان ویران کننده است.

۲۷۶. گزینه ۳ ﴿قد جاءت: آمده‌اند»

۲۷۷. گزینه ۱ ﴿بررسی سایر گزینه‌ها: ۲) «قیم:

ارزش‌ها» جمع است ← «قیمه: ارزش، علم بی‌عمل ← علم بلا عمل ۳) هیچ یأسی

← «أیّ یأس (برای بیان هیچ، گاهی از «أیّ» استفاده می‌کنیم، «أبدأ» اضافی است).

۴) العاقل ← «أیّ عاقل»

۲۷۸. گزینه ۱ ﴿در این گزینه «تبادل» مصدر

باب «تفاعل» است ← «تبادل

ترجمه گزینه‌ها: ۱) داد و ستد واژگان میان زبان‌ها، امری طبیعی است. ۲) پیامبران فرستاده شدند تا راه راست را نشان دهند. ۳) از شخصی خوشم می‌آید که به اصل و نسبش افتخار نمی‌کند. ۴) یادگیرنده نزد معلمش آدابی دارد.

۲۷۹. گزینه ۴ ﴿«حضروا» به صورت جمع

آمده؛ پس «السّیاح: جهانگردان» صحیح است. ضمناً در عبارت «لَمْ» داریم نه «لِم»!

ترجمه گزینه‌ها: ۱) تقدیم کردن قربانی‌ها به خدایان برای دوری از شرّشان. ۲) مردم شروع به پیچ کردن: بت که حرف

نمی‌زند! ۳) پرنده از فریب دشمن و نجات جوجه‌هایش مطمئن شد. ۴) جهانگردان در فرودگاه حاضر شدند اما راهنما حاضر نشد.

۲۸۰. گزینه ۳ ﴿ترجمه و بررسی گزینه‌ها:

۱) خاک آمیخته با آب (گل) ✓ ۲) جایی است کوچک‌تر از بیمارستان که در آن بیماران معاینه و مداوا می‌شوند. (درمانگاه) ✓ ۳) بر روزی اطلاق می‌شود که انسان در محضر خداوند مورد محاسبه قرار می‌گیرد. (بهبوده x؛ واژه درست «البعث: رستاخیز» است).

۴) ماده‌ای خوشبو که آن را غده‌ای در شکم نوعی از آهو ترشح می‌کند. (مُشک) ✓

۲۸۱. گزینه ۱ ﴿در این گزینه «حظّ:

شانس، بخت» و «نصيب: شانس، بخت» مترادف‌اند. ترجمه سایر گزینه‌ها: ۲) تقدیم کردن قربانی‌ها به آن‌ها برای به دست آوردن رضایتشان و دوری از شرّشان. ۳) دلم را از شادی و دهانم را از لیخنند پر کن. ۴) خرمایم را خوردید و از دستورم نافرمانی کردید.

۲۸۲. گزینه ۲ ﴿ماضی بعید در عربی چند

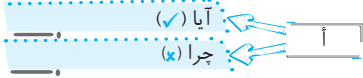
صورت پیش می‌آید:
۱- کان + ماضی / ۲- لیت + ماضی / ۳- جمله وصفیه ماضی که قبل از آن در عبارت فعل ماضی آمده باشد.

بررسی گزینه‌ها: ۱) «کان ... یُلحّون: پافشاری می‌کردند» (کان + مضارع: ماضی استمراری) ۲) «لیتني قرأت: کاش خوانده بودم» (لیت + ماضی: ماضی بعید) ۳) یدعو را می‌توانیم جمله وصفیه برای «صوتاً» حساب کنیم.

خود «یدعو» مضارع است و قبّلش در عبارت فعل ماضی «سمعت» آمده؛ پس «یدعو» به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌شود: «صدایی را از دعوت کننده شنیدم که به ایمان فرا می‌خواند.»

جمله را مورد تأکید قرار می‌دهد ← یؤكّد
الجملة بأجمعها! (۴) کارکرد «لكنّ» تکمیل
معنا و رفع ابهام از جمله قبل از خودش
است، نه جمله بعد از خودش!

۲۸۶. گزینه ۳ ﴿﴾ ۱- ترجمه کلمات:



(لماذا: چرا) (رد گزینه «۴»)

«سُدّی: بیهوده و بوج» (رد گزینه‌های «۲» و «۴»)
۲- زمان فعل‌ها: «یحسب» و «یترك» هر دو
مضارع‌اند. (رد سایر گزینه‌ها)

۲۸۷. گزینه ۲ ﴿﴾ ۱- در ترجمه «لا»ی نفی جنس

از لفظ «هیچ» استفاده می‌کنیم. «لا» در «لا
عمل» از نوع نفی جنس است (رد گزینه
«۴»). دقت کنید که فعل «یقرّب» به دلیل
وجود «لا»ی نفی جنس به صورت منفی
ترجمه می‌شود.

۲- توجه به زمان و ساختار فعل‌ها: «یقرّب»
فعل مضارع و از صیغه مفرد مذکر غایب
است (رد گزینه‌های «۱» و «۴»). ضمن
این‌که این فعل متعدّی و ضمیر «کم»
مفعولش است.

۳- «الترمو!؛ پایبند باشید» فعل امر از
صیغه جمع مذکر مخاطب است. در ترجمه
فعل‌های امر صیغه‌های مخاطب از لفظ «پاید»
استفاده نمی‌کنیم (رد گزینه «۱»). ضمناً این
فعل در گزینه «۴» اشتباه ترجمه شده!

۴- بهتر است «جمیعاً» را به صورت
«همگی» ترجمه کنیم نه «همه شما» (رد
گزینه‌های «۳» و «۴»)

۲۸۸. گزینه ۱ ﴿﴾ «إنّما» در جای بدی از ترجمه

آمده! ضمناً «یتواضع» هم دقیق ترجمه نشده.
ترجمه صحیح: «افتخار، فقط از آن کسی
است که در زندگی‌اش فروتنی می‌کند.»

۲۸۹. گزینه ۴ ﴿﴾ ۱- زمان فعل‌ها: «می‌گویند»

مضارع است ← یقولون (رد گزینه

۴) «لاحظنا» و «عصفت» هر دو فعل‌های
ماضی ساده‌اند: «بادهای شدیدی وزیدن
گرفت و ابر سیاه بزرگی را دیدیم.»

۲۸۳. گزینه ۴ ﴿﴾ ترجمه عبارت سوال: «سربازان

اسلام با دلاوری با دشمنان جنگیدند و از
میهن اسلامی دفاع کردند، آن‌ها بنایی
استوارند.» با توجه به قواعد، «کان» نمی‌تواند
در جای خالی قرار بگیرد (بعد از «کان»
بلافاصله ضمیر متصل - به جز ضمیرهایی
که شناسه فعل هستند - نمی‌آید). با توجه
به ترجمه «کأنّ: گویا» مناسب جای خالی
است نه «لیت: کاش» و «أنّ: که»

۲۸۴. گزینه ۶ ﴿﴾ بعد از «لا»ی نفی جنس یک

اسم بدون «ال» فتحه‌دار می‌آید که مضاف
هم نشده باشد.

«کلّ» در گزینه «۱» مضاف شده («کلّ»
شیء: هر چیزی» ترکیب اضافی است.)،
ضمناً «ألا: آگاه باش» یک اصطلاح است،
«لا أعلم: نمی‌دانم» در گزینه «۲» هم فعل
مضارع منفی است و «لا» باید معنای «هیچ
... نیست» بدهد. ترجمه گزینه «۳»: «او و
خانواده‌اش فقیرند نه ثروتمند.» (رد گزینه
«۳»). «لا» در گزینه «۴» از نوع نفی جنس
است: «هیچ عجیب نیست که تو موقّق
شدی؛ زیرا تو به خوبی درس خواندی.»

۲۸۵. گزینه ۱ ﴿﴾ بررسی گزینه‌ها: (۱) «لعلّ»

را در این گزینه دو جور می‌توانیم ترجمه
کنیم: «امید است که، (شاید)، امروز باران
بر ما نازل شود.» اگر با «امید است» در
نظر بگیریم، «الرجاء: امید» درست است،
اگر با «شاید» در نظر بگیریم، «الشکّ:
شک، تردید» درست است! (۲) «کاش شما
از ارزش‌های اخلاقی دفاع کنید.» («لیت»
برای بیان آرزو به کار می‌رود و وقوعش
حتمی نیست!) (۳) بارها گفتیم که «إنّ» کلّ



عبارت، حصر نیست. «از رحمت خداوند هیچ کس ناامید نمی‌شود جز کافران».

۲) «زندگی انسان در دنیا نیست مگر بازپچه‌ای که او را فریب می‌دهد.» می‌بینید؟! قبل از «إلا» جمله از نظر معنایی یک چیزی کم دارد! «خبر» قبل از «إلا» جا مانده؛ پس مستثنی‌منه نداریم. (حصر)

۳) «درباره آن حادثه نمی‌گوییم چیزی را که در آن حقیقت است.» «ما» را نمی‌توانیم از کلمه‌ای قبل از «إلا» جدا کنیم. در حقیقت مفعول «لا نقول» به بعد از «إلا» منتقل شده. (حصر)

۴) «حرفم را درباره چیزی که به تحصیل ارتباط دارد، باور نمی‌کند جز برادرم.» «أخی» را نمی‌توانیم از کلمه‌ای قبل از «إلا» جدا کنیم. در حقیقت «أخی» فاعل «لا یصدّق» است که به بعد از «إلا» منتقل شده است. (حصر)

۴۶۶. گزینه ۳

۱- تشخیص اسم از فعل و ترجمه درستشان: «فایق: شکافنده» اسم فاعل، «یُخْرِجُ: بیرون می‌آورد» فعل مضارع از باب «إفعال» و «مُخْرَجُ: بیرون آورنده» اسم فاعل است (رد گزینه‌های «۲» و «۴»).

۲- ترتیب کلمات در ترجمه: به جای دو کلمه «الحیّ، المیت» در عبارت دقت کنید؛ در وسط عبارت ابتدا «الحیّ» آمده، بعد «المیت» و در آخر عبارت ابتدا «المیت» آمده سپس «الحیّ»! گزینه «۲» جابه‌جا کرده این‌ها را!

۳- ترجمه درست واژگان:

الحیّ زنده زندگی (x)

المیت مرده مرگ (x)

(رد گزینه «۱»)

۴۶۷. گزینه ۱

۱- ساختار و زمان فعل‌ها: «لن + مضارع: مستقبل منفی» ← لن ینال: دست نخواهد یافت، نایل نخواهد شد، به دست نخواهد آورد.

* تمام گزینه‌ها «لن ینال» را به صورت مستقبل آورده‌اند اما باید حواستان را جمع کنید که:

الف) اسلوب حصر را می‌توان هم به صورت «فعل منفی + جز (مگر)» و هم به صورت «فقط (تنها) + فعل مثبت» ترجمه کرد؛ پس از این نظر، گزینه‌های «۱» و «۳» اشتباه نیستند.

ب) گزینه «۳» اشتباه است؛ چون «وَصَلَ: رسید»، «نال: دست یافت»، ضمناً «یتبع: دنبال کند، دنبال می‌کند» فعل مضارع است نه ماضی (رد گزینه «۳»).

۲- «أن یشعر» فعل است و نباید به صورت اسم ترجمه شود (رد گزینه «۲»).

۳- گزینه «۴» در ترجمه «یتبع» به بیراهه رفته؛ هم اینکه فعل را به صورت اسم ترجمه کرده و هم اینکه «یتبع» معنای «تابع بودن» نمی‌دهد!

۴۶۸. گزینه ۲

۱- ترجمه درست واژگان: «تَأَكَّدَ مِنْ: از اطمینان یافت»، «أَكَّذَ عَلَی: بر تأکید کرد» (رد گزینه «۱»).

خداع نیرنگ، فریب، حيله (✓) خطر (x)

(رد گزینه «۴»)

فراخ جوجه‌ها (✓) کودکان (x)

(رد گزینه «۱»)

۲- «هجم» فعل ماضی و جمله وصفیه (صفت برای «مفترس») است و چون قبلش در عبارت فعل ماضی (تَأَكَّذَ) آمده، به صورت ماضی بعید ترجمه می‌شود (رد گزینه‌های «۳» و «۴»).



۴۷۱. **گزینه ۲** بررسی گزینه‌ها: (۱) بعد از

«إلا» «في قلب المتواضع» آمده؛ پس جای فقط» در ترجمه اشتباه است: «حکمت فقط

در دل» «حتماً می‌دانید این عبارت حصر دارد! (۲) «بینما: در حالی که»، «کان + مضارع: ماضی استمراری» ← «كنت أقرأ: می‌خواندم»، «إذ: ناگهان» («إذ: ناگهان» را با «إذ: اگر، هرگاه» اشتباه نگیرید.) (۳) آخر آخ! منهنم: از آن‌ها (ایشان)) در ترجمه جا مانده! (۴) «تَصَدَّقُ: راست می‌گویی» (ثلاثی مجرد)، «تُصَدِّقُ: باور می‌کنی» (ثلاثی مزید؛ باب «تفعیل»)

۴۷۲. **گزینه ۴** بررسی گزینه‌ها: (۱) «تَفَعَّ: سود

رساند» (ثلاثی مجرد)، «انْتَفَعَّ: سود برد» (ثلاثی مزید؛ باب «افتعال»)

(۲) أخوان + ي ← أخوای «ن» مثنی و جمع مذکر در حالت اضافه حذف می‌شوند، س + مضارع: مستقبل

(۳) «پیامبری» ابتدا به صورت نکره آمده (رسول)، بار دوم «آن پیامبر» نوشته شده: «ال» در «الرسول» معنای «آن» می‌دهد.

(۴) «هر روز: كلّ يوم» (كلّ + اسم مفرد نکره: هر + اسم)، السادسة: شش، التاسعة: نه (در بیان ساعت)

۴۷۳. **گزینه ۲** ترجمه گزینه ۲ «تقديم قربانی‌ها

به خدایان برای به دست آوردن خشنودی‌شان و دوری از شرّشان.» متضاد نداریم!

بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) إختفاء: پنهان شدن ≠ ظهور: آشکار (ظاهر) شدن

(۳) واثق: مطمئن ≠ متردد: دارای تردید

(۴) تمّ: کامل شد ≠ تقصّ: ناقص (کم) شد

۴۷۴. **گزینه ۴** بررسی گزینه‌ها: (۱) «موازين»

مفرد ← میزان (ترازو)، این کلمه جمع مکسر است؛ چون با برداشتن «ین» به مفردش نرسیدیم.

۳- «أشْرَع: شفاف» فعل است و نباید به صورت اسم ترجمه شود (رد گزینه‌های «۱» و «۳»).

۴- «إنقاذ: نجات دادن» اسم است و دلیلی ندارد به صورت فعل ترجمه شود (رد گزینه‌های «۳» و «۴»).

۴۶۹. **گزینه ۲** ۱- «لعلّ» را می‌توان «شاید،

باشد که، امید است که» ترجمه کرد. دقّت کنید که فعل مضارع بعدش (یجدون) هم به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود. البته ترجمه «یجدون» به «دریابند» درست نیست (رد گزینه ۳).

۲- اگر بعد از اسم «ال» دار، موصول (الذي، التي، الذين) بیاید، اسم «ال» دار را به صورت نکره و خود موصول را «که» ترجمه می‌کنیم: «الظاهرة التي: پدیده‌ای که» (رد گزینه‌های «۱» و «۴»).

۳- «تُحَيَّرُ» فعل مضارع است و نباید به صورت ماضی ترجمه شود (رد گزینه ۱). ضمناً ترجمه دقیقش «حیرت‌زده کردن» است نه «باعث حیرت شدن» (رد گزینه ۴).

۴- «كثيراً من الناس: بسیاری از مردم» (رد گزینه ۳)؛ «أكثر الناس: بیشتر مردم»

۵- «أبتعد: دورتر» اسم تفضیل است (رد گزینه‌های «۱» و «۳»؛ پس حواستان به وزن اسم‌ها و شیوه دقیق ترجمه‌شان باشد.

۴۷۰. **گزینه ۲** «لا تغتروا: فریب نخورید» فعل

نهی از صیغه جمع مذکر مخاطب است. در ترجمه خیلی خیلی حواستان به صیغه فعل‌ها باشد. بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) «تكررة» فعل مضارع مجهول و «فحش» به معنای «گفتار و کردار زشت» است. (۳) «اشقّ: برگرفت» (به خاطر فاعل جمع به صورت جمع ترجمه شده) و «نطقوا: بر زبان آوردند.» (۴) فعل مضارع بعد از «بدأ» را به صورت مصدر ترجمه می‌کنیم: «بدأ... يتحدّث: شروع به صحبت کرد.»





۲) «الْكُتُبُ» مفرد ← الكتاب (کتاب) ← جمع مكسّر / «أوقات» مفرد ← وقت (زمان)، «أوقات» جمع مكسّر است؛ چون با برداشتن «ات» به مفردش نرسیدیم.

۳) «الإخوان» مفرد ← الأخ (دوست، برادر) ← جمع مكسّر. حواستان باشد که «ان» در این کلمه نشانه مثنی نیست. (الأخوان ← مثنی)

۴) «الصالحات» مفرد ← الصالحة (کار شایسته)، این کلمه جمع مؤنث سالم است؛ چون با برداشتن «ات» مفردش را به دست آوردیم.

۴۷۵. **گزینۀ ۳** در درسنامه گفتیم که: الف اسم تفضیل به شکل «أَفْعَى، أَفْعَى» هم می‌آید. ب) شکل «أَفْعَل» می‌تواند، موارد مختلفی مانند «اسم تفضیل»، فعل ماضی و مضارع و باشد. بررسی گزینه‌ها:

۱) «کوشاترین جوانان» به ما از نتیجه تلاشش خبر داد. «أَسْعَى» اسم تفضیل و «أَحْتَبِر» فعل ماضی از باب «إفعال» است. ۲) «هم‌کلاسی‌ام حسن، بهترین برادرانش در خانواده است.» اسم تفضیل داریم. ۳) «برادرم عیب‌هایم را به من هدیه داد پس از اینکه خودش را اصلاح کرد.» «أَهْدَى، أَطْلَحَ» هر دو فعل ماضی از باب «إفعال» اند. ۴) «طولانی‌ترین غارهای آبی را با دوست‌داشتنی‌ترین دوستانم دیدم.» «أَطُول، أَحَبَّ» هر دو اسم تفضیل‌اند.

۴۷۶. **گزینۀ ۲** قبل از اینکه گزینه‌ها را بررسی کنیم، باید بگوییم که خیر معادل گزاره در زبان فارسی است؛ یعنی کلمه‌ای که معنای مبتدا (نهاد) را کامل کند. معمولاً دستپاچه می‌شوید و اولین کلمه بعد از مبتدا را خیر می‌گیرید! ترجمه کنید آقا! ترجمه!

بررسی گزینه‌ها: ۱) «غَوَاصِي» که به عمق اقیانوس رفته بود، عکس‌هایی گرفت. دقت کنید که از «الغَوَاصِ» تا «المحيط» نهاد عبارت محسوب می‌شود. چون معنایشان به هم پیوسته است و «التَّطَقَّ» خبر از نوع فعل است.

۲) «هدف شرکت ما در این سال پیشرفتی چشمگیر در زمینه‌های مختلف است.» «تَقَدَّمَ» را فقط می‌توانیم «تَقَدَّمَ» یعنی مصدر باب «تَفَعَّلَ» حساب کنیم. چه «تَقَدَّمَ» که ماضی باب «تَفَعَّلَ» است و چه «تَقَدَّمَ» که مضارع باب «تَفَعَّلَ» است با «غَايَةَ» همخوانی ندارد.

۳) اسم «ال» دار بعد از اسم اشاره قطعاً خبر نیست؛ بلکه به همراه اسم اشاره یک گروه اسمی را تشکیل می‌دهند. در این عبارت «أُستخرجت» خبر است: «آن مرواریدها از خلیج فارس استخراج شده‌اند.»

۴) اگر خوب به ترجمه عبارت دقت کنید، متوجه می‌شوید که «يُحَيَّر» خبر است: «بی‌دری افتادن ماهی‌ها از آسمان بسیاری از ما را متحیر می‌کند.»

۴۷۷. **گزینۀ ۱** «ل» می‌تواند در معناهای «برای، از آن، به سود، به» به کار رود.

ترجمه گزینه‌ها: ۱) پدر، پسر را نزد خودش نشاند و برایش قصه‌ای جالب خواند.

۲) مادر برای برادر کوچکترم رایانه‌ای پیشرفته خرید. ۳) بیمار از پزشک پرسید: «در نسخه برایم چه چیزی نوشته‌ای؟!»

۴) «این کیست که مردم به او اجازه مسح سنگ (حجر الأسود) را داده‌اند؟!» فعل «سمح» غالباً با حرف «ل» به کار می‌رود: «سمح لـ». در این حالت «ل» به صورت «به» ترجمه می‌شود.

۴۷۸. **گزینۀ ۳** اسم فاعل در ثلاثی مجزّد بر وزن «فاعل» (مانند «حافظ») می‌آید و در ثلاثی مزید با «م» شروع می‌شود و حرکت حرف دوم اصلی‌اش «ب» است (مانند «مُجْتَهِد: تلاشگر»). اسم مفعول در ثلاثی مجزّد بر وزن «مَفْعُول» (مانند «مَكْتُوب») می‌آید و در ثلاثی مزید با «م» شروع می‌شود و حرکت حرف دوم اصلی‌اش «ب» است (مانند «مُشَاهَد: دیده شده»).



دانش خود بیفزاید، داناترین مردم است.»

۴) فعل‌های امر و نهی اگر جواب شرط باشند، با «ف» همراه می‌شوند. «هَنْ: ادات شرط، لم یُشاهد: فعل شرط، لا یُیأس: جواب شرط»

ترجمه: «هر کس نتیجه تلاشش را در ابتدا نبیند (ندیده است)، نباید از ادامه دادن راه ناامید شود.»

۴۸۰. گزینه ۳

۱) «مُبَشِّرین» حال و «النَّبِیِّین» صاحب حال است. اگر قرار بود «مُبَشِّرین» صفت «النَّبِیِّین» باشد، با «ال» همراه می‌شد. ۲) اگر اسم «ال» دار با حرف جرّ «لی» همراه شود، همزه آن حذف می‌شود: لـ + المحاکمة ← للمحاکمة؛ پس این کلمه معرفه است نه نکره. ۴) «درخت خفه کننده زندگی‌اش را با در هم بیچیدن دور تنه درختی شروع می‌کند.» «حیاء» مفعول «تبدأ» و این از صیغه مفرد مؤنث غایب است.

۴۸۱. گزینه ۲

مَثَل، مثال: مثال (رد گزینه‌های «۱» و «۴»)

۲- توجّه به صیغه فعل‌ها: «تَدعون: فرا می‌خوانید» از صیغه جمع مذکر مخاطب است (رد گزینه «۱»).

۳- حواستان به زمان فعل‌ها باشد: «تَدعون» مضارع است نه ماضی (رد گزینه «۳»).

۴- «الدّین» در حقیقت مفعول «تَدعون» است و این نکته باید در ترجمه لحاظ شود (رد گزینه «۱»).

۵- توجّه به معرفه و نکره بودن اسم‌ها: «ذباباً» نکره است (رد گزینه‌های «۳» و «۴»).

۴۸۲. گزینه ۴

۱- اول اینکه «الحرباء» مبتدأست (رد گزینه «۳»). دوم اینکه «فی» در گزینه «۲» ترجمه نشده.

۲- «حَرَّكَ: تکان داد، حرکت داد»، «تَحَرَّكَ: تکان خورد، حرکت کرد»؛ پس «عدم تَحَرَّكَ: تکان نخوردن، حرکت نکردن»، «تحريك: حرکت دادن، تکان دادن» و «تَحَرَّكَ: تکان

نکته دیگر اینکه گاهی تشخیص اینکه کلمه‌ای اسم فاعل یا مفعول از ثلاثی مزید است، فقط با توجه به معنا در عبارت صورت می‌پذیرد.

بررسی گزینه‌ها: ۱) «الطالب: دانش‌آموز، خواستار» اسم فاعل از ثلاثی مجرّد و «مُعْتَمِد: مغتنم، غنیمت داشته شده» اسم مفعول از ثلاثی مزید است. با توجه به معنای عبارت فهمیدیم که «مغتنم» اسم مفعول است (سؤال حرکت‌گذاری نشده).

۲) «الناجح: موفق، پیروز» اسم فاعل از ثلاثی مجرّد و «مُعْتَمِد: مورد اعتماد» اسم مفعول از ثلاثی مزید است. «معتمد» را هم با توجه به معنا فهمیدیم که اسم مفعول است.

۳) در این گزینه فقط اسم فاعل (از ثلاثی مزید) «مُتَعَجِّباً: شگفت‌زده» داریم.

۴) «الأمیر: دستور دهنده، امر کننده» اسم فاعل از ثلاثی مجرّد و «المعروف: خوبی» اسم مفعول از ثلاثی مجرّد است.

توجه: اسم فاعل در ثلاثی مجرّد گاهی به شکل «أقل» هم می‌آید.

۴۷۹. گزینه ۱

جمله اسمیه اگر بخواهد جواب شرط باشد، همراه «ف» می‌آید؛ پس «هو التلمیذ المثالی» جواب شرط نیست و نتیجه می‌گیریم که «من» به کار رفته در عبارت از نوع شرطیه نیست (موصول است): «کسی که می‌خواهد در امتحان موفق شود، (او) دانش‌آموز نمونه است.»

بررسی سایر گزینه‌ها: ۲) «هَنْ: ادات شرط، قرأ: فعل شرط، وَجَدَ: جواب شرط» ترجمه: «هر کس سرگذشت پیامبران و داستان‌هایشان را بخواند، در آن‌ها درس اخلاق را می‌یابد.»

۳) «هَنْ: ادات شرط، جَمَعَ: فعل شرط، هو أعلم الناس: جواب شرط» («فهو أعلم الناس» با «ف» شروع شده و جواب شرط است). ترجمه: «هر کس دانش مردم را به





۶۵۷. **گزینه ۳** بررسی گزینه‌ها: (۱) يُسَاعِدُنِي:

به من کمک می‌کند: يُسَاعِدُ + ن وقایه + ی
متکلم وحده

(۲) أَعَيْتِي: به من کمک کن: أَعَيْتُ + ن وقایه
+ ی متکلم وحده

«أَعَيْتُ» فعل امر از «أَعَانَ، يُعِينُ، إِعَانَةٌ» است.

(۳) يَتِمَّتِي: آرزو دارد «فعل مفرد مذکر
غایب و مضارع از باب «تَفَعَّلَ» است.
(حروف اصلی: م ن ی)

(۴) أَعَانَتِي: به من کمک کرد: أَعَانَ + ن
وقایه + ی متکلم وحده

۶۵۸. **گزینه ۳** ترجمه عبارت سؤال: «با یازده

هم کلاسی از هم کلاسی‌هایم در ساعت هفت
صبح به کتابخانه رفتم. دو نفر از ما برگشتند ولی
ما پنج ساعت در آنجا ماندیم. هنگام بازگشت
تعداد ما نفر و ساعت بود.»

حواسمان باشد برای شمارش تعداد افراد،
خود گوینده را هم حساب کنیم:

تعداد کل

$$نفر ۱۲ = ۱۱ + ۱$$

تعداد کسانی که ساعت ۱۲ برگشتند

$$نفر ۱۰ = ۱۲ - ۲$$

ساعتی که بقیه برگشتند

$$۱۲ = ۵ + ۷$$

ضمناً برای بیان ساعت از عدد ترتیبی
مؤنث و «ال» دار استفاده می‌کنیم.

۶۵۹. **گزینه ۲** ساختار جملهٔ حالیه اسمیه این

شکلی است:

... صاحب حال ... + و + مبتدا + خبر

«و هي تحمل» در گزینهٔ «۲» جملهٔ حالیه است.

خوب است بدانید که اگر فعل مضارع
بخواهد جملهٔ حالیه شود، بدون «و» می‌آید!

۶۶۰. **گزینه ۳** حصر جایی اتفاق می‌افتد که

مستثنی‌منه نداشته باشیم.

بررسی گزینه‌ها: (۱) «به گاراژ نمی‌بریم

مگر ماشین خراب را» مستثنی‌منه نداریم.

«السيارة» را به‌عنوان مستثنی‌منی‌توانیم از
کلمه‌ای قبل از «إلا» جدا کنیم. در واقع این
کلمه، مفعول «لا نأخذ» است که به بعد از
«إلا» منتقل شده ← حصر

(۲) «مردم پنهان نمی‌کنند مگر آنچه را که
از عواقب آشکار شدنش می‌ترسند.» دوباره
مستثنی‌منه نیامده و حصر داریم.

(۳) «این مریض انواع میوه‌ها را می‌خورد جز
سیب.» «انواع الفواکه» مستثنی‌منه است؛
پس حصر نداریم.

(۴) «سلامتی نیست مگر با ذهن سالم.»

قبل از «إلا» جمله از نظر قواعد و معنا،
ناقص است؛ پس حصر داریم.

۶۶۱. **گزینه ۱** ۱- ترجمهٔ دقیق واژگان:



(رد گزینه‌های «۳» و «۴»)

۲- «کلمهٔ سواء» گروه اسمی (ترکیب وصفی)
است و دلیلی ندارد به‌صورت جمله ترجمه
شود. (رد سایر گزینه‌ها) ۳- حذف و اضافه:
«بینکم» در گزینهٔ «۴» حذف شده است.

۶۶۲. **گزینه ۲** ۱- «و» در گزینهٔ «۴» حذف

شده است: حذف و اضافه!

۲- «المعتدین» اسم است که در گزینهٔ
«۱» اشتباه ترجمه شده و در گزینهٔ «۳»
به‌صورت جمله ترجمه شده که اشتباه است.

۳- «تتعایش» به‌معنای «همزیستی کردن»
است که بهتر بود کنکور مراعات حالش را
می‌کرد! ضمناً «تعايشاً» مفعول مطلق نوعی
است و نباید ترجمه شود که کنکور ترجمه
کرده! به هر حال گزینهٔ «۴» رد می‌شود!

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) «فَرَحِين» چون به صورت جمع آمده، حال است برای «لأعبوها» نه «المعلم»! تعداد حال و صاحب حال همخوانی دارد؛ بسیار (بی‌شک؛ «اجتهاداً» مصدر «يجتهد» است که بدون وابسته آمده؛ پس مفعول مطلق تأکیدی است.)

۲) با شادی (مانند گزینه «۱»). به سختی (مانند گزینه «۱»). اقدام می‌نماید (اقدام نموده است: «قد + ماضی: ماضی نقلی»)

۴) تیم‌هایی (دو تیم: «فریقین» مثلث است.) فراوان (مانند گزینه «۱»)

تذکر: جای مفعول مطلق در ترجمه قبل از فعل است. این نکته باید رعایت می‌شد!

۶۶۷. گزینه ۱

ترجمه کلمات مهم: طوبی ل: خوشا به حال، یُعَوِّد: عادت دهد، تل: بلکه، یَقْبَلون علیه: به او روی آورند.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۲) زبان او عادت نماید (زبانش را عادت دهد؛ «عَوَّد: عادت داد» «تَعَوَّد: عادت کرد»؛ ترجمه دقیق واژگان!) «زمانی که» اضافی است؛ حذف و اضافه! و (بلکه)، او را قبول داشته باشند (به او روی آورند) ۳) کلامی لطیف (کلام لطیف؛ «الكلام اللین» ترکیب وصفی معرفه است)، «نه تنها» اضافی است. ۴) زبانش عادت کند (مانند گزینه «۲»). «اینکه» اضافی است، و (بلکه)، «نیز» اضافی است، او را بپذیرند (مانند گزینه «۲»)

۶۶۸. گزینه ۴

بررسی گزینه‌ها: ۱) «از» اضافی است! ۲) «لا یقفون: پیروی نمی‌کنند» قفا، یَقْفو (ترجمه دقیق واژگان! ۳) آرامش ← اطمینانش، «هیچ کس» اضافی است، خدا ← پروردگارش ۴) کان + قد + ماضی: ماضی بعید ← کان قد لجأ: پناه برده بود

۶۶۳. گزینه ۴

۱- ضمیر «ه» در «تحمله» فقط در گزینه «۴» ترجمه شده است. ۲- «شکست» دوم در گزینه «۱» اضافی است؛ حذف و اضافه!

۳- «فُصْلاً» جمع است (رد گزینه «۱»؛ توجه به تعداد اسم‌ها در ترجمه)

ضمناً ترجمه دقیقش «فرصت‌هایی» است. (رد گزینه‌های «۲» و «۳»؛ ترجمه دقیق واژگان)

۴- «سَتَسْفِدُ» مستقبل است (رد گزینه‌های «۱» و «۲»؛ توجه به زمان فعل‌ها)

۶۶۴. گزینه ۴

ترجمه کلمات مهم: تعرف: می‌شناسیم، بما: به آنچه، لا نجد: نمی‌یابیم

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) نمی‌یافتیم (نمی‌یابیم؛ «لا نجد» مضارع است.)

۲) شناخته‌ایم (می‌شناسیم؛ «تعرف» مضارع است.)، آنچنان تأثیری دارند (تأثیر عمیقی می‌گذارند، عمیقاً تأثیر می‌گذارند، نیافته‌ایم (مانند گزینه «۱»)

۳) چیزی (به آنچه)، آنچنان اثری دارند (مانند گزینه «۲»). افراد دیگر (دیگران)

تذکر: باز هم کنکور خود مفعول مطلق را ترجمه کرده! بهتر بود ترجمه‌اش نمی‌کرد!

۶۶۵. گزینه ۳

۱- «ما» معنی «آنچه» می‌دهد نه «هرچه» (رد گزینه‌های «۱» و «۲»). ضمناً در گزینه «۴» این کلمه ترجمه نشده است.

«مِنْ» هم در این گزینه ترجمه نشده! ۲- «مَنْ» معنای «آنانی که، کسانی که» می‌دهد نه «اینکه، آنکه» (رد گزینه‌های «۲» و «۴»)

۳- «فکر قادر» فقط در گزینه «۳» درست ترجمه شده! ۴- «نتوانند» در گزینه «۴» وصله زائد است؛ حذف و اضافه!

۶۶۶. گزینه ۳

ترجمه کلمات مهم: قد قام بی: به ... اقدام کرده است، فَرَحِين: خوشحال، با خوشحالی، اجتهاداً: بی‌شک، قطعاً (در اینجا)





۶۶۹. **گزینه ۳** ﴿ باز هم ترجمه دقیق واژگان!

«عَجَلٌ: عجله (شتاب) کرد، أَجَلٌ: به تأخیر انداخت»، آن نُؤَجِّلُ: که به تأخیر بیندازیم.

۶۷۰. **گزینه ۱** ﴿ موارد نادرست سایر گزینه‌ها:

(۲) الأَلم (اعلم: مضاف «ال» و البته «تنوین» نمی‌گیرد.)، قد یجمع (جمع: «قد + مضارع: شاید / گاهی + مضارع».)، علی (إلی)

(۳) الأَلم من الناس (أَلم الناس.)، یجمع (جمع)

(۴) أَلم من الناس (مانند گزینه «۳».)، هو الَّذی (هن.)، قد جمع (جمع)

ترجمه متن: اولین قدم در تغییر زندگی توجه و اهتمام به کارهای مهم است. از جمله این کارها شناختن آمال و آرزوهایمان و همچنین اهدافی که برای زندگی‌مان ترسیم کرده‌ایم و البته سعی برای بهبود آن‌هاست. مهم این است که بدانیم دستیابی به زندگی سعادتمند برای انسان به تأمل در زندگی اخلاقی و ارتقای آن و نیز زندگی در بُعد سلامت، همزمان نیازمند است؛ زیرا سلامتی همیشه باقی نمی‌ماند؛ چرا که جسم به مرور سال‌ها در معرض تغییرات جسمی مختلف و نیز روحی و عاطفی قرار می‌گیرد.

از جمله توصیه‌های اکید در این خصوص، توجه به تغذیه جسم و ذهن، همزمان است و آن برای شکل دادن زندگی متعادل است که با تغییرات جسمی‌ای که به مرور زمان حاصل می‌شود، تناسب دارد.

شایان ذکر است ممارست و انجام تمرین‌های ورزشی سودمند به شخص در بُعد بدنی و ذهنی کمک می‌کند تا زندگی سالم‌تر و سعادتمندتری داشته باشد.

۶۷۱. **گزینه ۴** ﴿ ترجمه و بررسی گزینه‌ها:

(۱) ورزش‌های جسمانی فقط به جسم کمک می‌کند. (متن برخلاف این را فریاد زده!)

(۲) سلامتی تا زمانی که انسان آن را بخواهد، ادامه می‌یابد. (متن و البته واقعیت خلافش را می‌گویند.) (۳) تغییرات جسمی و روحی و عاطفی فقط بعد از مدتی بسیار کوتاه برایمان پدیدار می‌شوند. (نه!) (۴) هر کس بتواند میان امور مهم و غیرمهم خود تفاوت قائل شود، اقدام به اولین قدم در شکل دادن زندگی سعادتمند کرده است. (بله!)

۶۷۲. **گزینه ۲** ﴿ ترجمه عبارت سؤال: «چگونه

زندگی‌مان را برای رسیدن به تعادل تغییر دهیم؟!» گزینه نادرست را خواسته!

ترجمه گزینه‌ها: (۱) با انجام تمرین‌های ورزشی که حافظ سلامتی بدن‌هاست.

(۲) با در معرض تغییرات قرار گرفتن در برابر کارها و حوادث و اشیاء. (کاملاً بی‌ربط!)

(۳) با توجه به بُعد ذهنی و تلاش برای خارج کردن بدی‌ها از آن.

(۴) با تغذیه جسم با مواد لازمی که حافظ سلامتی بدن‌هاست.

۶۷۳. **گزینه ۱** ﴿ ترجمه عبارت سؤال: «چه

چیزی به ما کمک می‌کند زمانی که بخواهیم به خوشبختی در زندگی دست یابیم؟!»

ترجمه گزینه‌ها: (۱) توجه فراوان به امور اخلاقی و ذهنی. (۲) کمی توجه‌مان به گذر زمان و تأثیرش بر ما. (۳) تکیه بر آمال و آرزوهایمان برای ما هر چیزی را تضمین می‌کند. (۴) سلامتی جسمی از هر چیزی بی‌نیاز می‌کند؛ چراکه سعادت را تضمین می‌نماید.

۶۷۴. **گزینه ۱** ﴿ «مناسب‌ترین را برای عنوان

متن انتخاب کن.»

ترجمه گزینه‌ها: (۱) زندگی سعادتمند

(۲) ورزش‌های سودمند

(۳) زندگی دارای سلامتی و تأثیرش

(۴) تأثیر سلامتی در شناخت آرزوها

ترجمه گزینیه‌ها: (۱) رایانه (۲) جریان آب

(۳) کولر (۴) جریان برق

۶۸۰. **گزینه ۲** ﴿گزینه نادرست درباره «مؤمن»

را مشخص کن.

ترجمه گزینیه‌ها: (۱) پرهیزگاری‌اش در خفا و آشکار ثابت و یکسان است.

(۲) صبر نمی‌کند مگر اندک در زمان مصیبت.

(۳) راستگویی‌اش هنگام ترس و امید همیشگی است.

(۴) بردباری نمی‌کند مگر بسیار، زمانی که خشمگین می‌شود.

۶۸۱. **گزینه ۳** ﴿بررسی گزینیه‌ها:

(۱) «بزرگترین حیوانی که پیرامون خود می‌بینیم، فیل است.» اسم تفضیل موجود!

(۲) «باید دیگران را بهتر از خودمان ببینیم.» اسم تفضیل داریم.

(۳) «نیکی کن به مردم همان‌طور که می‌خواهی به تو نیکی کنند.» «أخیین» فعل امر از باب «إفعال» و از صیغه مفرد مذکر مخاطب است.

(۴) «زشت‌ترین کارها برای قطع ارتباط میان مردم، غیبت است.» «أکره» اسم تفضیل است.

۶۸۲. **گزینه ۴** ﴿بررسی گزینیه‌ها: (۱) «أتمتی:

آرزو دارم» فعل متکلم وحده و از باب «تفعل» است. (ریشه: م ن ی)

(۲) «لا تحزنی: ناراحت نباش» فعل نهی از صیغه مفرد مؤنث مخاطب و «ن» جزو حروف اصلی‌اش است، (ح ز ن). «ی» هم که فاعلش محسوب می‌شود.

(۳) «تُعیننی: مشخص کن» فعل مفرد مؤنث مخاطب از باب «تفعیل» و «ع ی ن» حروف اصلی‌اش هستند. «ی» هم که فاعلش محسوب می‌شود.

(۴) «إن لم تُعینونی: اگر من را کمک نکنید»

۶۷۵. **گزینه ۲** ﴿موارد نادرست سایر گزینیه‌ها:

(۱) مصدره «تعریض» من وزن «تفعیل» (مصدره «تعرض» من وزن «تفعل»)

(۳) «ی، ت» (ت و تکرار عین‌الفعل. برای تعیین حروف زائد فعل ثلاثی مزید به صیغه مفرد مذکر غایب ماضی آن نگاه می‌کنیم: تعرض)

(۴) للمخاطب (للاغائب)

۶۷۶. **گزینه ۱** ﴿موارد نادرست سایر گزینیه‌ها:

(۲) «س، ا، د» (س ع د)

(۳) للمخاطب (للاغائبه)

(۴) حرفان زائدان (حرف زائد واحد)

۶۷۷. **گزینه ۱** ﴿موارد نادرست سایر گزینیه‌ها:

(۲) خبره «خطوة» «خطوة» مضاف‌الیه است.

(۳) معرفة نكرة: اگر «خطوة» معرفه بود، می‌توانست مضافش (أول) را هم معرفه کند. به این مدل معرفه، «معرف بالإضافة» می‌گویند که در کتاب درسی نیامده!

(۴) من الأعداد الأصلية (من الأعداد الترتيبية)

۶۷۸. **گزینه ۳** ﴿«الامتحانات» بر وزن «أفتعال»

(الامتحانات) و «تساعد» مضارع باب «مفاعلة» (تساعد) است.

تذکر: البته «ر» در «الزرافة» در عربی تشدید ندارد!

ترجمه گزینیه‌ها: (۱) داروها را در داروخانه‌ای

که در انتهای راهروی درمانگاه است، بگیر. (۲) زرافه صدایی دارد که به حیوانات هشدار می‌دهد تا از خطر دور شوند.

(۳) امتحانات به دانش‌آموزان مدارس کمک می‌کند برای یادگرفتن درس‌هایشان.

(۴) مردم باید با یکدیگر به‌طور مسالمت‌آمیز همزیستی کنند.

۶۷۹. **گزینه ۳** ﴿ترجمه عبارت سؤال:

«..... هوا را لطیف می‌کند و ما از آن

در روزهای گرم استفاده می‌کنیم.»





تُعِينُونِي ← تُعِينُوا + ن وقایه + ي متکلم
وحده. «ن» فعل «تُعِينُوا» هم که به خاطر
«إن» حذف شده!

۴- «أَغْلَقْتُ» را مجهول (أَغْلَقْتُ) در نظر
بگیریم: «درهای مدرسه دیروز به دلیل
باران‌های بسیار بسته شد.» معنا می‌دهد.

۶۸۵. گزینه ۴ ﴿﴾ خیلی تست قشنگی است!

گفته که در کدام گزینه خبر از دو نوع
«اسم» و «جمله» است.

بررسی گزینه‌ها: (۱) «دور» مبتدا و «أمر»
خبر از نوع اسم است: «نقش دلفین‌ها در
تمییز جاهای جمع شدن ماهی‌ها، برای انسان
امری مهم است.»

(۲) «الدلافین» مبتدا و «عدوة» خبر از نوع
اسم است. آخر عبارت هم که جمله فعلیه
داریم: «دلفین‌ها دشمن کوسه‌ماهی هستند،
و هنگامی که آن را می‌بینند، پیرامونش
جمع شده و آن را می‌کشند.»

(۳) «هذه» مبتدا و «تَحَبَّرُ» خبر از نوع فعل (جمله)
است: «این حیوانات در شیوة زندگی و زیبایی
بسیارشان، ما را خیلی حیرت‌زده می‌کنند.»

(۴) «الدلفین» مبتدا و «حیوان» خبر از نوع
اسم است. در قسمت بعدی عبارت، «هو»
مبتدا و «يُحِبُّ» خبر از نوع فعل (جمله)
است: «دلفین حیوانی باهوش است و انسان
و کمک کردن به او را، هر چقدر امکان
داشته باشد دوست دارد.»

۶۸۶. گزینه ۱ ﴿﴾ ۱- «إِضْبِرُّ» را گزینه ۱ «دقیق

و درست ترجمه کرده! ۲- «إِنَّ» اینجا
معنای تأکیدی دارد (رد گزینه‌های ۲) و
«أَمْ» ۳- ضمیرها؛ بود و نبودشان:

خداوند، الله (✓)
خداى تو (x)

(رد گزینه ۴) «أَمْ»

۴- «حَقٌّ» معنای «حقیقت» نمی‌دهد: ترجمه
درست واژگان! (رد گزینه‌های ۳) و «أَمْ» (۴)

۶۸۳. گزینه ۲ ﴿﴾ ترجمه عبارت سؤال: «روز
یکشنبه به همراه خانواده‌ام به سفر رفتیم.
سفرمان سه روز طول کشید. ساعت هفت
صبح برگشتیم. پنج ساعت در راه بودیم.
بنابراین در ساعتِ از روزِ
..... به خانه‌مان رسیدیم.»

ترجمه گزینه‌ها: (۱) دوازده - سه‌شنبه

(۲) دوازده - چهارشنبه

(۳) دوازده - چهارشنبه

(۴) دوازده - دوشنبه

نکته اول اینکه برای بیان عقربه ساعت‌شمار
باید از عدد مؤنث استفاده کنیم. (رد
گزینه‌های «۱» و «۳»). ضمن اینکه تابلوست
که چهارشنبه به خانه رسیدند!

۶۸۴. گزینه ۲ ﴿﴾ به‌به! عجب تستی! گفته که با

توجه به معنا، کدام فعل را نمی‌توان به شکل
مجهول خواند.

بررسی گزینه‌ها: (۱) اگر «أُخْبِرْتُ» را فعل
مجهول بگیریم می‌شود «أُخْبِرْتُ» و معنای
عبارت هم «همه دانش‌آموزان از این خبر
مهم خبَردار شدند» می‌شود! پس هیچی!

(۲) اگر «أَرْضَعْتُ» را مجهول بگیریم ترجمه
این می‌شود: «مادر مهربان شیر داده شد
فرزندش درحالی‌که او (فرزند) بسیار
کوچک بود.» معنی نمی‌دهد. بنابراین باید
معلوم در نظر بگیریمش: «مادر مهربان
فرزندش را شیر داد» جوابمان
همین است.

۳- «أُرْسِلْتُ» را مجهول (أُرْسِلْتُ) بگیریم:
«قوانین شریعت در کتاب‌های آسمانی برای
مردم فرستاده شد.» معنا می‌دهد!